تجلي

اخلاق

اسلامي

در سور ۀ حجرات

تأليف:

محمد عبداللطيف انصارى

محمد عبداللطيف انصارى 1432هـ

فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية اثناء النشر

انصاري، محمد عبداللطيف

تجلي الاخلاق الاسلامية في سورة الحجرات (باللغة الفارسية)./ محمد عبداللطيف انصاري، .. المدينة المنورة، 1432هـ

102 ص 14،20 سم

ردمك: 9-6815-00-603-978

1. الاخلاق الاسلامية 2- القرآن – سورة الحجرات – تفسير

ا، العنوان ديوي 212 1126/1432

رقم الايداع: 1126/1432 ردمك: 9-6815-00-603-978

|  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **نام كتاب:** | |  | | **تجلی اخلاق اسلامی در سورۀ حجرات** | | | |
| **نويسنده:** | |  | | **محمد عبداللطیف انصاری** | | | |
| **تيراژ:** | |  | | 100000 **جلد** | | | |
| **سال چاپ:** | |  | | **1432هـ. ق برابر با 1389هـ. ش** | | | |
| **آدرس ايميل:** | |  | | book@aqeedeh.com | | | |
|  | | |  |  | | | |
| **سايت‌هاى مفيد** | | | | | |
| www.sunni-news.net  www.sadaislam.com  www.islamhouse.com | | | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  www.islamtape.com |



فهرست

[**دفتر اول** 5](#_Toc282630833)

[**روزنه؛** 5](#_Toc282630834)

[**قرآن کریم اساسنامه اخلاق** 9](#_Toc282630835)

[**مسئولیت‌های متقابل پدران و فرزندان** 22](#_Toc282630836)

[**مسئولیت‌های متقابل شوهر و همسر** 22](#_Toc282630837)

[**روابط متقابل مسئولین و توده مردم** 24](#_Toc282630838)

[**دفتر دوم** 29](#_Toc282630839)

[**روزنه** 29](#_Toc282630840)

[**ادب و اخلاق با الله تعالی و رسول الله**ص 37](#_Toc282630841)

[**شايعه‌پراکنی و سخن‌چینی** 45](#_Toc282630842)

[**حرمت رسول الله**ص 48](#_Toc282630843)

[**اصلاح در بین مسلمانان** 50](#_Toc282630844)

[**مسلمانان با هم برادرند** 55](#_Toc282630845)

[**تمسخر و عیب‌جویی** 59](#_Toc282630846)

[**بدگمانی و جاسوسی و غیبت** 63](#_Toc282630847)

[\* **بدگمانی** 63](#_Toc282630848)

[\* **جاسوسي** 67](#_Toc282630849)

[\* **غـيـبت** 68](#_Toc282630850)

[**خودخواهی و نژادپرستی** 75](#_Toc282630851)

[**صـفات مــؤمنـان** 82](#_Toc282630852)

[**سخن آخر** 91](#_Toc282630853)

[**اخلاق نيكوي رسول الله**ص 95](#_Toc282630854)

[**فهرست منابع** 100](#_Toc282630855)

دفتر اول

****روزنه؛****

|  |  |
| --- | --- |
| **به نام خدائی که جان آفرید** | **سخن گفتن اندر زبان آفرید** |
| **خداوند بخشنده دستگیر** | **کریم خطابخش پوزش پذیر** |
| **عزیزی، که هر کز درش سر بتافت** | **به هر در که شد، هیچ عزت نیافت** |
| **سر پادشاهان گردنفراز** | **به درگاه او بر زمین نیاز** |
| **نه گردنکشان را بگیرد به فور** | **نه عذرآوران را براند به جور** |
| **و گر خشم گیرد ز کردار زشت** | **چو باز آمدی، ما جرا در نوشت** |

خوش اخلاقی شیوه پیامبران و پله اول کوی سالکان راه حق است. و تار و پود سعادت و نیک‌بختی و نیک نامی هر انسانی با رشته‌های اخلاقی چون؛ گفتار و کردار نیکو، تواضع و فروتنی، قناعت و شکرگذاری، پارسائی و پرهیزکاری، صدق و راستگوئی، احسان و از خودگذشتگی، پاکدلی و پاک سرشتی، فتوت و جوانمردی، وفاء و خوش عهدی، توبه و محاسبه نفس، دوری از بیهودگیها و پستی و رذالتها، ثبات و پایداری، صبر و تحمل و بردباری، و... بهم بافته شده است.

تأسف از آن است که انسان امروزی درگیر و دار زندگی، خود را به کلی گم کرده است.

کار و تلاش و زحمت و عرق ریختن از برای خودنمائی... نیرنگ و مکر و حیله به هدف دست یافتن به کمالیات زندگی... دروغ و پزدادن برای ساختن شخصیتی کذائی... زن و مرد در پی مال و ثروت و نام و نشان... خانه و کاشانه... خریدن آخرین سیستم ماشین (موتر) و کامپیوتر... مدهای روز لباس و وسائل خانه... از دیگران عقب نماندن... خلاصه چشم هم چشمی...

در این فضای تار که قطار زندگی با سرعت سر سام آوری قصد خودکشی کرده است، این کتابچه می‌آید تا به من و شما تلنگری زده، یادآوری کند که آفریدگار یکتا ما را «حیوان متمدن»، یا «مرد ماشینی» و یا «ربوت» نیافرید، بلکه انسان آفریده، کرامت بخشید و از روح خود در ما دمید و شکل و شمایل و جمال و جلالی داد بی‌مانند.

البته این زیبایی و جمال بی‌مانند تنها وقتی رونق می‌گیرد که با جمال اخلاق زینت گیرد. از اینروست که پیک حق حضرت خاتمص می‌فرمایند: «**اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِيْ فَحَسِّنْ خُلُقِي**». «بار الها! آنچنان که خلقت مرا زینت بخشیده‌ای اخلاق و سرشت مرا نیز زینت بخش!»

عزیز مهتر!...

چه بسا امپراطورها، و تمدنها و افراد که به سبب فقر اخلاقی برای همیشه در زیر خاک نیستی به فراموشی سپرده شدند!

شوقی ملک الشعرای عرب می‌گوید:

|  |  |
| --- | --- |
| [إنما الأمم الأخلاق ما بقيت](http://ejabat.google.com/ejabat/thread?tid=5d1aea91fc21f2b2&clk=wttpcts) | فإن همُ ذهبت أخلاقهم ذهبوا |

تنها ملتهای با اخلاق ماندگار مانده‌اند. و آنان که اخلاقشان ضایع شد، برای همیشه از صفحه گیتی برچیده گشتند!

و چه بسیارند افرادی بینوا و نادار که با ثروت اخلاق و جوانمردی نام نیک خود بر کهکشان تاریخ نگاشته ماندگار شدند!

|  |  |
| --- | --- |
| مـهـر به خـشنـودی دلهـا گـذار | تـا ز تـو خـشنـود شـود كـردگـار |
| درد سـتـانی كـن و درمـانـدهی | تـات رسـانـنـد بـه فـرمـانـدهی |
| گرم شو از مهر و ز كین سرد باش | چون مه و خـورشید جوانمرد باش |
| هـر كـه به نیكی عمل آغـاز كرد | نیــكی او روی بــدو بــاز كرد |

بد اخلاقی نوعی بیماری روانی است، که باعث افسردگی و ژولیدگی روح و روان فرد گشته، سبب نفرت و انزجار جامعه و اطرافیان و ایجاد استرس و اضطراب و خلل در سیستم ایمنی و اداره شخصیت فردی او می‌شود. فرد بد اخلاق همیشه در یک دوگانگی و جنگ با وجدان و ضمیر خود بسر می‌برد، و تنها راه خلاص از این بیماری همان اخلاق نیکوست که چون افساری مهار کننده همه عوارض بیماری بداخلاقی چون؛ خودبینی، خودخواهی، غرور، لجاجت، چشم هم چشمی، احساس کمتر بینی و... است.

ستیز آوری كار اهـریـمن است ستیـزه به پرخـاش آبستـن است  
همیشه در نیك و بد هست بـاز تـو سـوی در بهـتـری شـو فـراز

امید است با ورق زدن این کتابچه، اراده آهنینت را که در زیر زنگار زمانه رها کرده بودی، باز پس جلا داده، دست در دستان این نوشته نهاده، راه «خودسازی» در پیش گیری.

بدان که اللهأ در تو توان و قدرتی بس شگرف انگیز نهاده، و خواستن توانستن است. پس با عهد و میثاق آهنین با ما:

|  |  |
| --- | --- |
| بیـا تا جهان را به بـد نسپـریـم | به كوشش همه دست نیكی بریم |
| نبـاشد همـه نیك و بد پایـدار | همان بـه كه نیكی بود یادگـار |

**عزیز مهتر...**

با صدای بلند بگو: من می‌توانم خودم را بسازم...

بلندتر تکرار کن: من می‌توانم از خودم خوش اخلاقترین فرد جامعه بسازم...

این دو جمله را هر روز صبح چندبار با خودت تکرار کن، و هر شب قبل از اینکه سر به بالین بگذاری باز عهد و پیمانت را بیاد آور، و از کوتاهیهای روزت توبه کرده، خود را برای فردایی بهتر آماده ساز...

قرآن کریم اساسنامه اخلاق

**قرآن کریم تنها برنامه زندگی است که سعادت و خوشبختی را برای هر فرد تضمین می‌کند، در این اساسنامه که از سوی آفریدگار و خالق انسان ترتیب داده شده، ریز و درشت نیازهای او برای رسیدن به کمال سعادت و خوشبختی مطرح شده است.**

**چه شده است انسانها را که برای درک درست یک اختراع، و شیوه و روش درست بهره‌برداری و استفاده از یک کالا فورا به کاتالوگ یا کتاب راهنمایی که کارخانه سازنده همراه کالای مورد نظر گذاشته رجوع کرده با اعتماد کامل تمام آنچه کارخانه توصیه می‌کند را مو به مو اجرا می‌کنند. اما چون سخن از انسان می‌رود؛ چون آدمهای نابینا در بین تپه‌ها و کوهها دست و پا می‌زنند؟!**

**باید بدون کوچکترین شک و تردیدی پذیرفت که قرآن؛ کاتالوگ یا کتاب راهنمایی که خالق و آفریدگار بشریت همراه با او به زمین فرستاده، و آنچه مهندس و متخصص در شئون این اختراع؛ یعنی فرستاده و پیامبر پروردگار، روشن نموده تنها راه سعادت و رشادت و خوشکامی یک انسان است.**

**پیامبر اکرمص چون نزد بشریت آمدند دعوت خود را چنین معرفی نمودند: «**إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ**»- «من تنها از این جهت فرستاده شده‌ام تا ویژگیها و مرامهای والای اخلاقی را کامل کنم».**

|  |  |
| --- | --- |
| دلا مكارم اخلاق اگر همى خواهى | دو كار پيشه كن اينست مكارم اخلاق |
| مشو مخالف امر خـداى عزّوجـلّ | بكوش تا بود اندر ميـان خلـق وفـاق |

**و در مورد دین و مرام و شیوه زندگی خود چنین فرمودند: «**الدین المعاملة**». «دین تنها و تنها نحوه برخورد و رفتار با دیگران است»!**

**آری! شیوۀ برخوردت با مردم عنوان و پلاکاردی است که شما را به دیگران معرفی می‌کند.**

|  |  |
| --- | --- |
| از خدا جوییــــم توفیــق ادب | بی‌ادب محروم گشت از لطف رب |
| بی‌ادب تنها نه خود را داشت بد | بلکـه آتــش در همــه آفـــاق زد |

**این شیوه برخورد باید طبق نمونه ارسالی، و قرآن زنده‌ای که با دو پا در میان بشریت گام می‌زد، یعنی؛ پیک و فرستاده آفریدگار باشد:**

ﭽﯯ ﯰﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﭼ [الأحزاب: ٢١]

**«**یقیناً برای شما در [روش و رفتار] رسول الله الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به الله و روز قیامت امید دارد؛ و الله را بسیار یاد می‌کند».

**قرآن کریم ضمن معرفی مفاهیم و ارزشهای عمومی اخلاق در دو مرز نور و ظلمت چون؛ خوبی و بدی، حق و باطل، زشتی و زیبایی، تقوی و پرهیزکاری، زهد و پارسائی، عدل و انصاف، استبداد و ظلم، از ویژگیهای اخلاقی اسلام سخن گفته، فرق آن با دیگر مکتبها را روشن نموده، فهم و درک درست و علم و دانش، کردار نیک و گفتار نیکو، را به عنوان روشهایی که ارزشهای اخلاقی را در جامعه پیاده می‌کنند معرفی کرده، با شدت با عناصر ویرانگر اخلاقی چون؛ خواهشات نفسانی، شیطان و اهریمن خرابکار، دنیاپرستی و مادیگری در ستیز است. البته قرآن دنیا را مزرعه آخرت شمرده، عمران و سازندگی آن را از اهداف خلقت انسانی معرفی کرده، تنها از مؤمنان خواسته با آن به عنوان یک وسیله ـ نه هدف ـ برخورد کنند. و مال و دنیا را در دستان باز خود بگذارند و اجازه ندهند دنیا در داخل دلهایشان رسوب کند و یا کفهای دستهایشان بسته گردد. مال وسیله‌ای است برای رفع نیازهای خود و رسیدن به دیگران، نه چپاول جامعه برای انباشتن ثروت!**

|  |  |
| --- | --- |
| نیم نانی گر خورد مرد خدا بذل | درویشان کند نیم دگر |
| ملک اقلیمی بگیـرد پادشـاه | همچنان در بند اقلیمی دگر |

**این اساسنامه سازنده انسان را با خالق و آفریدگارش آشنا می‌سازد. و این آشنایی را راهی برای وجود یک رابطه صمیمی و دوستی همراه با حمد و سپاس و شکر، و عبادت و پیروی و فرمانبرداری، ترس و امید، تواضع و فروتنی، و خواهش و تمنا قرار می‌دهد.**

**پس از برقراری این رابطه مستقیم و صمیمی دیگر انسان در این دنیای فانی احساس تنهایی نمی‌کند، او همیشه در پناه اللهأ، و زیر نظر مستقیم اوست. شرم از او، احساس به هیبت و بزرگی او، انسان را از هر دست درازی و تجاوز به حقوق دیگران بازمی‌دارد. و همواره او را به ادای مسئولیتهایش تشویق می‌کند. انسان برای رسیدن به رضایت و خشنودی پروردگار روز بروز خود را با ارزشهای اخلاقی برتر می‌آراید.**

مـهـر به خـشنـودی دلهـا گـذار تـا ز تـو خـشنـود شـود کـردگـار

درد سـتـانی کـن و درمـانـدهی تـا رســانـدت بـــه فـرمـانـدهی

**اسلام در پی پایه‌ریزی جامعه‌ای پارسا و با تقوا است که حرکات و سکنات آن برای رسیدن به اوج ارزشهای اخلاقی و مثالگرایی است. جامعه‌ای که بشریت می‌تواند با دیدن آن پروردگار و خالق خود را بشناسد. جامعه‌ای که با زبان ارزشهای رفتاری همه را بسوی الله تعالی دعوت می‌کند.**

گرم شو از مهر و زکین سرد باش چون مه و خـورشید جوانمرد باش

هـر کـه به نیکی عمل آغـاز کرد نیــکی او روی بــدو بــاز کــرد

**نظری گذرا به فلسفه عبادت در اسلام این حقیقت را روشن‌تر می‌سازد. نماز، روزه، حج، و زکات که اساس و پایه‌های عبادی دین مبین اسلام شناخته می‌شوند، راهکارها و مشقهای الهی برای رسیدن به تقوا و پرهیزکاری می‌باشند:**

**قرآن کریم در مورد نماز چنین می‌گوید:**

ﭽﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨﯩ ﯪ ﯫ ﯬﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﭼ [العنكبوت: ٤٥]

«آنچه را از این کتاب به تو وحی شده است، بخوان و نماز را برپا دار، یقیناً نماز از کارهای زشت، و کارهای ناپسند باز می دارد؛ و همانا ذکر الله بزرگ تر است، و الله آنچه را انجام می دهید، می‌داند**».**

**و از پیام‌آور توحیدص آمده که ایشان از پروردگار یکتا روایت می‌کنند، اللهأ فرموده‌است:** «تنها نماز کسی را می‌پذیرم که با نمازش در مقابل بزرگی و عظمت من فروتنی نماید، و بر بندگانم تکبر نورزد، و شب را با اصرار بر گناه و نافرمانی من به بالین نرود، و تمام روز در یاد من باشد، و بر بینوایان و از راه ماندگان و بیوه زنان شفقت ورزیده، بر مصیبت زدگان رحم نماید**».**

مکـــــن روی در قبله، بی صدق نیت

که رســــوا کنــــد تیر کــج را نشانه

بی حضور قلب «مخلص»، در دعا تأثیر نیست

فتح آن اقلیم، کِیْ با دسـت تنهـــا می‌شود؟

**و زکات شیوه‌ای است برای کاشتن تخم مهر و محبت و برادری و همبستگی افراد جامعه، و پاکی دل و جان از پستیها و حرص و آز و مال پرستی و مادیگری:**

ﭽ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﭼ [التوبة: ١٠٣]

«تو از اموال مؤمنان صدقات را دریافت دار که بدان صدقات نفوس آنها را پاک و پاکیزه می‌سازی و رشد و برکت می‌دهی، و آنها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنان موجب تسلّی خاطر آنها شود و الله شنوا و داناست».

**و روزه مدرسه‌ای است نمونه برای تربیت نفس بشری، و مهار کردن خواسته‌ها و شهوتهای نفسانی. از رسول اکرمص آمده: «**آن کس که سخن باطل و زورگویی را رها نمی‌کند، الله را هیچ نیازی نیست که او از خوردن و نوشیدن خودش را بازدارد**». و همچنین فرموده‌اند: «**روزه از خورد و نوش نیست، روزه از بدگویی و بیهودگی‌هاست، اگر کسی به شما دشنامی داد، یا بدی نمود، بگو: من روزه‌ام**».**

**قرآن کریم میوه این عبادت بزرگ را در تقوا و پرهیزکاری خلاصه می‌کند:**

ﭽ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭼ [البقرة: ١٨٣]

«ای اهل ایمان، بر شما هم روزه واجب گردید چنانکه امم گذشته را فرض شده بود، و این دستور برای آن است که پاک و پرهیزکار شوید».

**حج یا کنفرانس سالانه وحدت و هماهنگی و برادری و برابری بشر برای رسیدن به معانی اخلاقی است:**

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭼ [البقرة: 197]

«حجّ (واجب) در ماههایی معیّن است، پس هر که در این ماهها حج می‌گزارد بایست آنچه میان زن و شوهر رواست ترک کند و کار ناروا (مانند دروغ و بدگویی) را ترک کند و مجادله نکند، و شما هر کار نیک کنید الله بر آن آگاه است و توشه (تقوا برای راه آخرت) برگیرید که بهترین توشه این راه تقواست و از من پروا کنید ای صاحبان عقل**».**

بیـا تا جهان را به بـد نسپـریـم به کوشش همه دست نیکی بریم

نبـاشد همـه نیک و بد پایـدار همان بـه که نیکی بود یادگـار…

**سلوک رفتاری فرد در قرآن کریم از ناحیه؛ دستورات و قوانین سازنده، معرفی منطقه ممنوعه، و منطقه آزاد مورد بحث قرار گرفته است...**

**در منطقه ممنوعه «**تابلوی ایست**» جلوی هر صفت رفتاری ویرانگر و اخلاق زشت قرار می‌گیرد! قرآن از پیروان خود می‌خواهد صفات زیر را بکلی از شخصیت خود پاک کنند:**

[خودکشی([[1]](#footnote-1))، دروغگوئی([[2]](#footnote-2))، دوروئی([[3]](#footnote-3))، بخیلی([[4]](#footnote-4))، اسراف و زیاده‌روی([[5]](#footnote-5))، [ریاء([[6]](#footnote-6))](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm#7)، [خودنمائی](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "8)[(](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "8)[[[7]](#footnote-7)](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "8)[)](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "8)، تکبر و غرور([[8]](#footnote-8))، پز دادن و برخ کشیدن نیرو و توان و دانش([[9]](#footnote-9))، دنیاپرستی([[10]](#footnote-10))، [آز و طمع و حسادت](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "12)[(](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "12)[[[11]](#footnote-11)](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "12)[)](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "12)، ناامیدی، و غرور([[12]](#footnote-12))، زنا و فحشا([[13]](#footnote-13))، [شرابخوری](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "15)[(](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "15)[[[14]](#footnote-14)](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "15)[)](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "15)،  همه فسادهای اخلاقی و مادی([[15]](#footnote-15))، [حرامخوری](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "17)[(](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "17)[[[16]](#footnote-16)](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "17)[)](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f2a.htm" \l "17).

در سلوک فردی منطقه‌ای نیز به عنوان منطقه آزاد یا دایره جواز مطرح شده که عبارت است از: استفاده و لذت بردن از تمامی طیبات و چیزهای پاک و پسندیده([[17]](#footnote-17)).

**کتاب راهنمایی که از سوی الله برای بشریت فرستاده شده، دستورات و قوانین زیر را بر هر فرد واجب الاجراء قرار داده است:**

**پویایی و آموزش([[18]](#footnote-18))**، **تعلیم و تعلم([[19]](#footnote-19))**، **[پاکی](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f1a.htm" \l "طهارة النفس) و طهارت نفس([[20]](#footnote-20))**، **استقامت و پایداری([[21]](#footnote-21))**، **عفت و پاکدامنی([[22]](#footnote-22))**، **عدم پیروی از هوی و هوس([[23]](#footnote-23))**، **کنترل شهوت شکم و شرمگاه([[24]](#footnote-24))**، **کنترل خشم و غضب([[25]](#footnote-25))**، **راستگویی([[26]](#footnote-26))**، **تواضع و نرم‌خوئی([[27]](#footnote-27))**، **دوری از بدگمانی([[28]](#footnote-28))**، **شایعه‌پراکنی([[29]](#footnote-29))**، **صبر و شکیبائی([[30]](#footnote-30))**، **الگو گیری از پیامبران([[31]](#footnote-31))**، **میانه روی**[**([[32]](#footnote-32))**](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f1a.htm#الاعتدال)، **کردار نیکو**[**([[33]](#footnote-33))**](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f1a.htm#الأعمال الصالحة)، **رقابت در خیر**[**([[34]](#footnote-34))**](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f1a.htm#التنافس)، **پیروی از خیر و نیکی([[35]](#footnote-35))**، **اخلاص**[**([[36]](#footnote-36))**](http://www.alhikmeh.com/arabic/akhlaq/quran/fardi/f1a.htm#إخلاص السرائر).

در رابطه با سلوک اجتماعی نیز قرآن **«تابلوی ایست»** خود را جلوی مجموعه‌ای از اخلاقیات زشت و ویرانگر قرار داده، تا نشاید فرد آن محدوده را تجاوز کرده، باعث اخلال در روند ساختار سلیم جامعه گشته، امنیت و آرامش مردم بهم خورد. در اینجا به برخی از این اخلاقیات ناپسندی که به دستور قرآن هر فرد مسلمان باید از آنها بشدت دوری جوید اشاره می‌کنیم:

**خیانت در امانت([[37]](#footnote-37))**، **آدم آزاری([[38]](#footnote-38))**، **استبداد و ستم([[39]](#footnote-39))**، **همکاری با متجاوزان([[40]](#footnote-40))**، **دفاع از خائنان([[41]](#footnote-41))**، **بی‌وفائی به عهد و پیمان([[42]](#footnote-42))**، **خیانت و مکر و حیله([[43]](#footnote-43))**، **گواهی دروغ([[44]](#footnote-44))**، **کتمان حق([[45]](#footnote-45))**، **دشنام و ناسزاگویی([[46]](#footnote-46))**، **بدرفتاری با یتیمان و بینوایان([[47]](#footnote-47))**، **مسخره کردن([[48]](#footnote-48))**، **حقارت مردم([[49]](#footnote-49))**، **جاسوسی([[50]](#footnote-50))**، **تهمت زدن و غیبت کردن([[51]](#footnote-51))**، **گوش دادن به شایعات([[52]](#footnote-52))**، **تهمت زدن به زنان پاکدامن([[53]](#footnote-53))**، **شفاعت و وساطت در شر([[54]](#footnote-54))**.

هرجامعه‌ای برای برقراری استقرار و ثبات نیاز به برخی ضوابط و قوانین اخلاقی دارد که ضایع شدن آنها باعث پاره شدن نخی می‌گردد که افراد جامعه را بهم پیوسته، قرآن مجموعه‌ای از قواعد و اصول اخلاقی را در این زمینه وضع کرده که هر فطرت و سرشت پاکی در مقابل آنها به پاس احترام خواهد ایستاد. از آن جمله است:

**امانتداری([[55]](#footnote-55))**، **وفاء به عهد و پیمان([[56]](#footnote-56))**، **گواهی راستین([[57]](#footnote-57))**، **پیوند آشتی بین افراد درگیر([[58]](#footnote-58))**، **شفاعت نیکو([[59]](#footnote-59))**، **رحم و شفقت بهمدیگر([[60]](#footnote-60))**، **نیکی و احسان بخصوص به بینوایان([[61]](#footnote-61))**، **گذشت([[62]](#footnote-62))**، **خوبی در جواب زشتی([[63]](#footnote-63))**، **دعوت به نیکی و بازداشتن از بدی([[64]](#footnote-64))**، **برادری و سخاوت([[65]](#footnote-65))**، **عدالت و شفقت و احسان([[66]](#footnote-66))**، **گذشت و انفاق در راه الله**أ**([[67]](#footnote-67))**.

در کنار ضوابط و قوانین اخلاقی بالا، قرآن کریم اساسنامه‌ اخلاقی برای هر شخص مقرر می‌کند تا در تمامی مراحل زندگی شخصی مورد اجرا قرار گیرد. اینگونه مسائل که در ظاهر بسیار شخصی و خاص فرد است در ساختار سلوکی او بسیار مؤثر و بیانگر شخصیت او می‌باشند، از آن جمله است:

**اجازه گرفتن قبل از دخول بر حوزه دیگران([[68]](#footnote-68))**، **آرام سخن گفتن([[69]](#footnote-69))**، **سلام قبل از داخل شدن([[70]](#footnote-70))**، **جواب سلام با عباراتی بهتر از سلام([[71]](#footnote-71))**، **احترام مجلس([[72]](#footnote-72))**، **سخن شیرین و مؤدبانه([[73]](#footnote-73))**، **اجازه گرفتن قبل از انصراف([[74]](#footnote-74))**.

همانطور که قرآن برای فرد و جامعه اصول و قواعد اخلاقی وضع کرده، چهار دیواری خانواده که مهمترین کیان جامعه می‌باشد را از هر طرف با برنامه‌های اخلاقی زینت داده است. جای دارد در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره کنیم:

مسئولیت‌های متقابل پدران و فرزندان

نیکی به والدین، و آرام سخن گفتن با آنها، و اطاعت از آنها:**([[75]](#footnote-75))**.

احترام زندگی فرزندان:**([[76]](#footnote-76))**.

تربیت فرزندان و خانواده:**([[77]](#footnote-77))**.

مسئولیت‌های متقابل شوهر و همسر

دستورات و قوانین مربوط به ازدواج **([[78]](#footnote-78))**.

ویژگیها و صفات نیک و پسندیده همسران**([[79]](#footnote-79))**.

رضایت متبادل**([[80]](#footnote-80))**.

مهریه**([[81]](#footnote-81))**.

ضوابط و قوانین چند همسری**([[82]](#footnote-82))**.

زندگی مشترک یا رابطه مقدس ازدواج**([[83]](#footnote-83))**.

ازدواج برای امنیت روحی و مهر و محبت همسران**([[84]](#footnote-84))**.

مشورت و همدلی**([[85]](#footnote-85))**.

رفتار و تعامل نیک در همه حالات زندگی**([[86]](#footnote-86))**.

صلح و آشتی در خانه**([[87]](#footnote-87))**.

قرآن كريم پس از بنای ساختار اخلاقی فرد، خانواده و جامعه، آنها را به مرحله‌ای بالاتر راهنمایی می‌کند، و آن چیزی جز برپایی حکومت و نظامی بر اساس ویژگیهای اخلاقی و قانونی کتاب آسمانی نیست. فرامینی اخلاقی و رستاخیز که شرافت و کرامت هر فرد را تضمین کرده، دود خودکامگی و فرعون‌منشی را از جامعه زدوده، آزادی و احترام افراد جامعه را بطور کامل حفظ می‌کند. در این راستا قرآن كريم روابط اخلاقی متقابلی بین رهبر و ملت، و اصول و قوانینی اخلاقی در رابطه با نحوه برخورد با ملتهای دیگر، وضع کرده است.

روابط متقابل مسئولین و توده مردم

**از جمله روابط متقابل مسئولین و توده مردم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:**

1. **واجبات و مسئولیت‌های رهبر**

**لطف و نرمی و مشاورت با مردم در نحوه اداره مملکت، و پایبندی به اتفاق نهایی([[88]](#footnote-88))**، **عدالت و امانتداری([[89]](#footnote-89))**، **برپایی امنیت([[90]](#footnote-90))**، **حفاظت از اموال عمومی و عدم تصرف بی‌جا در آن([[91]](#footnote-91))**، **جلوگیری از احتکار ثروت در دست گروهی([[92]](#footnote-92))**، **حفظ حقوق اقلیتها([[93]](#footnote-93))**.

1. **مسئولیت‌های مردم**

**احترام قانون و نظام([[94]](#footnote-94))**، **پیروی از دستورات رهبر به شرط مطابقت با شریعت الهی([[95]](#footnote-95))**، **وحدت و یکپارچگی([[96]](#footnote-96))**، **مشورت در قضایای عمومی([[97]](#footnote-97))**، **دوری از دوستی و همکاری با دشمنان([[98]](#footnote-98))**.

و در رابطه با سلوک رفتاری با بیگانگان چنین ضوابطی را در قرآن کریم می‌خوانیم:

1. **در حالت‌های عادی**

**اهتمام به صلح و آشتی عمومی([[99]](#footnote-99))**، **دعوت آنها با حکمت و درایت و پند و اندرز نیکو([[100]](#footnote-100))**، **مجبور نکردن آنها برای پذیرش دین([[101]](#footnote-101))**، **عدم اهانت به معتقدات دیگران([[102]](#footnote-102))**، **دوری از استبداد، خودکامگی و فساد([[103]](#footnote-103))**، **عدالت، نیکی و حسن جوار([[104]](#footnote-104))**.

1. **در حالت‌های اضطراری و جنگ و ستیز**

**تجاوز نکردن([[105]](#footnote-105))**، **آتش بس در ماههای حرام([[106]](#footnote-106))**، **امنیت اماکن مقدسه([[107]](#footnote-107))**، **جنگیدن تنها با جنگجویان([[108]](#footnote-108))**، **فرار نکردن از میدان کارزار([[109]](#footnote-109))**، **ثبات و پایداری([[110]](#footnote-110))**، **صبر و شکیبائی([[111]](#footnote-111))**، **نهراسیدن از مرگ([[112]](#footnote-112))**، **بیداری و احتراز از مکر و حیله و نقشه دشمنان([[113]](#footnote-113))**، **تسلیم نشدن و قبول کردن آتش بس([[114]](#footnote-114))**، **وفا به عهد و میثاق([[115]](#footnote-115))**، **برخورد شدید با خائنان([[116]](#footnote-116))**، **پایبندی به تمامی شرطها و معاهدات هر چند به ضرر باشد([[117]](#footnote-117))**، **احترام برادری انسانی([[118]](#footnote-118))**.

با توجه به آنچه رفت، بر ما واضح و روشن گشت که قرآن كريم اساسنامه رفتار و سلوک انسانی در مقابل با خود، دیگران، و پروردگار یکتاست. و یک گزارش مفصل از کشف جوانب اخلاقی و تربیتی قرآن، کتابی با هزار و یک من ورق می‌طلبد، که از دایره این گزیده بیرون است.

نویسنده سعی دارد در صفحات آتی به صورتی بسیار گذرا به شمه‌ای از جوانب اخلاقی سوره حجرات اشاره کند. بدون شک کتابچه حاضر توان جمع کردن اقیانوس در یک کوزه تنگ را ندارد، و البته چنین ادعایی هم مطرح نیست. تنها تلاش مؤلف برقراری نوعی آشتی و عشق و محبت و سوز دل بین شما خواننده عزیز و قرآن کریم؛ کلام پروردگار یکتاست.

|  |  |
| --- | --- |
| هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست | دل افسرده غیر از آب وگل نیست |

پس از برقراری این رابطه دوستی و صمیمیت انسان در آینه شفاف قرآن كريم عیبهای خود را دریافته، سعی می‌کند آنها را از سیرت و سرشت خود پاک کند:

|  |  |
| --- | --- |
| آن کو قبول کرد وپذیرفت عیب خویش | از باده غرور تهی گشت ساغرش |
| آن کس که عیب خویش ندانست چون بقا | اید گرفت آینه ای در برابرش |

زحمت و تلاش نویسنده توانا بسیار قابل ارج و تقدیر است، و از باریتعالای یکتا تمنای آن دارم زحمت بیدریغ این جوان فرخنده را مورد قبول و رضایت خویش قرار داده، من و ایشان و همه جوانان برومند مسلمان را به اخلاق قرآن آراسته، سربازانی قرار دهد در راستای تحقق یافتن مرام قرآن...

مدتی گفتار بی کردار کردی مرحمت روزگاری هم به من کردار بی‌گفتار ده.

**استاد دکتر نور محمد امرا**

عضو هیئت تدریس دانشكده ادبیات عرب

دانشگاه بین المللی اسلام آباد - پاکستان

دفتر دوم

روزنه

بار الها! سپاس و ستايش فقط از آن توست كه در كلام مجيدت راه و روش سالم وشيوة معقول زندگي را به بشريت آموختی، و عالم انسانيت را به سوي سعادت و رستگاري و اخلاق پسندیده هدايت نمودي تا بندگان متعهد و مخلصت طرز تفكر سالم و راه و رسم زندگي ثمربخش و درست را بدانند و از اين رهنمودهاي سودمند استفاده نمايند.

كريما! ترا سپاس مي‌گوئيم به نعمت بزرگ قرآن، ترا سپاس مي‌گوئيم به نعمت هدايت و به همراه اشك شوق و نياز جبين سپاس و ستايش به آستان مهر گسترت مي‌ستائيم، حقا كه حمد و سپاس بي‌پايان سزاوار خالق يكتائي است كه بشر را از بين تمامي موجودات به شرف «**عَلَّمَهُ الْبَيَانَ**» نایل گردانیده، با خلعت «**عَلَّمَ بِالْقَلَمِ** » و «**عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ**» مشرف و مزين فرمود، و درود و سلام بی پایان، به بشيران و نذيران و هاديان طريق حق و رستگاري و سعادت و ترسانندگان از راه‌هاي وحشت و گمراهي و بدبختي و خصوصاً بر سرور كائنات و بهترين اولاد آدم سيدنا محمد بن عبدالله و آل و اصحاب ايشان باد.

برادر و خواهر گرامی!

قرآن چون مونس و همدمي است كه انسان را در زندگي دنيا كه میدان رنج است و زحمت و سراسر سختی و مشقت همراهي مي‌كند، نوريست كه راه درست و حقيقت را روشن مي‌نمايد، و معلمي است كه به انسان اخلاق و آداب زندگي مي‌آموزد، و راهنمائي است كه دست انسان را گرفته او را از ميان تاریکیها و ضلالت و گمراهي به راه راست و هدايت راهنمائی مي‌كند، لذت و زيبائي قرآن را تنها كساني درك مي‌كنند كه با چشم بينا و قلب آکنده از ايمان با قرآن زندگي كرده آنرا درك نموده‌اند.

قرآن كريم وحي الله تبارك و تعالي و كلام مجيد او مي‌باشد. كتاب جاويداني است كه در آن اسماء و صفات باريتعالي، عقيده و ايمان، معجزات قدرت و رحمت واسع خالق يكتا بيان مي‌گردد، وقتي انسان با قرآن زندگي مي‌كند، چه شرفي بالاتر ازين براي اوست كه اللهِ خالق و توانا از ميان تمامی موجودات او را برگزيده با او سخن می‌گوید!

**اي انسان!... اي مسلمانان!... اي كسانيكه ايمان آورده‌ايد!... اي بندگان من!...**

اين عباراتي است كه الله تعالی در كتاب جاويدان خود با آن انسان ها را مخاطب قرار داده است، در حاليكه انسان و سیاره ای كه در آن زندگي مي‌كند در مقابل شكوه و عظمت مخلوقات باريتعالي ذره‌ای بيش نیست، اما چون رحمت و فضل آفریدگار یکتا شامل حال انسان ها گرديد با فرستادن پیامبران و کتاب‌های آسماني به ويژه قرآن مجيد كه بر سرور پیامبران و رسولان؛ حضرت محمد مصطفيص نازل شد انسان را قدر و منزلت عالي بخشيده است.

آري! قرآن كريم كتاب بزرگي است كه برآخرين پيامبران محمد مصطفى ص نازل گرديد، و ايشان با اخلاق والايي كه بر گرفته از اين كتاب مقدس بود كوشيدند انسان ها را از تاريكي گمراهي به سر منزل سعادت و تكامل راهنمائي نمايند. و ياران و اصحاب وفادارشان كه شاگردان اين مكتب الهي و نسل تربيت يافتة قرآن مجيد بودند در راه رساندن اين پيام بزرگ الهي و برافراشتن پرچم توحيد و محو ظلم و شرك وكفر و برقراري حكومت عدل الهي و مساوات و برادري در بين انسانها فداكاري و جانفشانيها نمودند.

قرآن كريم اين كتاب مقدس الهي پرتویی است از حقايق مهمي چون؛ عقيده، شريعت، قانون ونظام، اخلاق و تربيت، و تهذيب و انسان سازی در اسلوبی بسیار شیوا، و به روشی که خالق بشر برای او در نظر گرفته است. از جمله اهدافي‌كه پيامبران عليهم السلام براي تحقق آن فرستاده شده‌اند تنظيم امور زندگي بشر به صورت دقيق، هدايت و راهنمائي او به راه راست؛ همان راه حق و حقيقت مي‌باشد. قرآن كريم كه آخرين كتاب آسماني است در هر سوره و آية مبارك آن مسائلي چون؛ عقيده و عبادت، ادب و اخلاق، و چگونگي اداره امور زندگي ذكر گرديده است تا باشد كه با تربيت سالم اين انسان خاكي به مقام و منزلتي كه الله تبارك وتعالي برايش برگزيده است نایل گردد.

از بين سوره‌هاي بزرگ قرآن كريم كه حقايق عقيده، برنامۀ شريعت، راه و رسم انسانيت، مرام ادب و الفبای اخلاق را در لابلاي خود دارد سورة «**حجرات**» مي‌باشد.

الله تبارك و تعالي در اين سورة مباركه در کمال صراحت و وضوح به مسلمانان ارشاد مي‌فرمايد: شيوة زندگي شما با سایر انسانها فرق دارد، يعني مسلمانان باید در جامعۀ بشری اسوه و نمونه اخلاق باشند، و جامعۀ اسلامی نمادی از عدالت اجتماعي، نهایت احترام و ادب با پروردگار عالم، نهایت احترام و تبجیل در مقابل پیک و فرستاده و رسول برگزيده اوص و نهایت احترام و ادب در مقابل سایر انسانها، باید باشد.

هر شخصي كه به الله و رسولش ايمان مي آورد بايد به تمامی معانی اخلاقی و آداب اسلامي آراسته گردد، چنانكه قرآن كريم بدان امر نموده است.

مسلمانان بايد داراي قلب پاك و زبان عفيف و اخلاق پسندیده باشند، الله تبارك وتعالي در اين سورة مبارك به مسلمانان مي آموزد چگونه با پيامبرص سخن بگویند و چه آدابي را مراعات نمايند، و همچنین این سورۀ مبارکه بر موضوع بسیار مهمي انگشت نهاده که امنیت و استقرار جامعه را می‌تواند تضمین کند، و آن شیوه برقراری صلح و آرامش بین مسلمانانی است که آتش فتنه میانۀ آنها را بهم زده است.

و همچنان به برپا نمودن رابطۀ برادری ای که بر اساس اخلاص و صداقت و رضایت الله متعال باشد امر نموده است.

و چون الله تعالى مي‌خواهد كه اين رابطه هميشگي و مستحكم باشد مسلمانان را از تمسخر يكديگر، عيب جوئي، وغيبت و گمانهاي بد و ناحق منع مي‌كند و تاكيد دارد كه هدف از پيدايش اقوام و قبائل مختلف، شناخت و معرفت است و مرتبه و مقام در نزد الله تبارك و تعالي فقط در تقوي و پرهيزگاري است، و در آخر اين سورة بزرگ صفات نيكوي مؤمنان ذكر گرديده است، از اینرو مي‌توانيم اين سورۀ مبارك را «**سورۀ اخلاق**» بناميم و اين را بدانيم كه درجات ايمان به درجات اخلاق نيك وابسته است چنانچه رسول اللهص فرموده اند:

**«أَكْمَلُ الْـمؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا»** (سنن الترمذي)

«**كامل ترين مؤمنان در ايمان خوش‌اخلاق ترين‌شان مي‌باشند**».

در جاي ديگري فرموده‌اند؛ **بهترين شما كساني اند كه اخلاق شان نيكو باشد**، و همچنان فرموده اند كه **رستگاري در اخلاق نيكو مي‌باشد**.

پيامبر بزرگ اسلامص وعده داده‌اند:

«كسي كه اخلاقي پسندیده داشته باشد دارای خانه‌ای در بالاترین درجه بهشت خواهد بود».

چنانچه جابر روايت كرده كه رسول اللهص فرموده‌اند:

«**إِنَّ مِنْ أَحَبِّكُمْ إِلَيَّ وَأَقْرَبِكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ القِيَامَةِ أَحَاسِنَكُمْ أَخْلَاقًا**» (سنن الترمذي).

«**همانا از محبوب‌ترين و نزديك‌ترين شما در مجلس من روز قيامت خوش‌اخلاق‌ترين شما مي‌باشد**».

جهانی که اسلام در پی ساختن آن می‌باشد، جهانی است دارای دل و درون پاک‌، دارای احساسها و اندیشه‌های پاک‌، زبان پاک‌، و پیش از هر چیز رازها و رمزهای پاک... جهانی است که با الله متعال پروردگار و خالق خود ادب دارد. با پیغمبرص ادب دارد. با خودش ادب دارد. با دیگران نیز ادب دارد. سراپا ادب و اخلاق است حتی در افکار و اندیشه‌ها و خاطره‌های گذرایی که بر دل و درونش می‌گذرد! و در حرکات و سکناتش در فرهنگ و نظام اجتماعی و در قوانین و سیاست و اقتصاد.. اصلا به سادگی می‌توان گفت پایه و اساس و تار و پود جامعۀ اسلامی بر اساس ادب و اخلاق بنا شده است....

امیدوارم الله متعال به همۀ ما توفیق عنایت فرماید تا پیرو قرآن كريم و سنت رسول اللهص باشیم، و دستورات و احكام آنرا كه براي سعادت ما مسلمانان و سایر بشریت است را جامة عمل بپوشانيم، و شكر گذار اين لطف وكرم الهي باشيم كه چگونگي امور زندگي را به ما آموخته است.

از پروردگار یکتا؛ آفریدگار عالم و آدم مسألت دارم؛ این تلاش ناچیز مرا با کرم و سخاوت خویش قدر نهاده، در ترازوی حسنات و نیکی‌های این بنده خاکی و تمام عزیزانی که در تصحیح و بازنگری آن نقشی ایفا نموده‌اند قرار دهد!

در اینجا جا دارد از دعوتگر دلسوز برادر شهیدم قاری حامد/، که این کتابچه یادگاری از او خواهد بود، یادی نمایم که مشوق من در تهیه این مطلب بودند. ایشان چند روز قبل از ولادت این نوشتار در هنگام بازگشت از دانشکده علم و تربیت، مورد هجوم موشکهای جتهای کور ارتش اشغالگر جهان غرب قرار گرفته، همراه با چند تن دیگر از اساتیدی که در ماشین ایشان را همراهی می‌کردند، جام شهادت سرکشیدند. از اللهأ می‌خواهم که این دوست مهتر و دیگر شهدای راه حق را غریق رحمتش گرداند.

همچنین از جناب برادر بزرگوار و استاد گرامی "دکتر نور محمد امرا" که در تصحیح و مراجعه این کتاب زحمات فراوانی را متحمل شدند تشکر و قدردانی می‌نمایم و از بارگاه رب‌العزت والجلال برای شما خوانندۀ عزیز و دوستانی که در به ثمر رسیدن این کتاب نقشی داشته‌اند، و برای تمامی برادران و خواهران مسلمان طول عمر و سعادت در دو جهان استدعا دارم.

**اللهم صلِّ وسلِّم على عبدك ورسولك محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين**.

محمد عبداللطيف انصاري

مدینه منوره - رمضان 1421هـ ق

ادب و اخلاق با الله تعالی و رسول اللهص

ﭽ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖﮗ ﮘ ﮙﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﭼ [الحجرات: ١]

«ای مؤمنان! (هیچ‌گاه) در برابر الله و پیامبرش پیش‌دستی نکنید؛ و تقوای الله پیشه سازید. به ‌یقین الله، شنوای داناست».

اولين و اساسي ترين اقتضاي ايمان اين است كه هر کس اللهأ را پروردگار و آفریدگار خود و رسول اللهص را هادي و رهبر خود مي‌داند و در ایمان و عقيدة خود صادق است هيچگاه نمي‌تواند فكر و نظر خود را بر حكم الله و رسول الله مقدم بدارد، و يا در مسائل سرسری و بدون مراجعه پروردگار و پیک او اتخاذ رأي نمايد، و اين نكته را بايد مد نظر داشت كه فرمان برداري و اطاعت از الله متعال و پيامبرص وقتي حاصل مي‌شود كه خوف و هراس الله تبارك و تعالي در دل باشد درين صورت انسان به دستورات الله و پيامبر گراميص عمل مي‌كند و اگر اين خوف وجود نداشته باشد انسان تابع خواهشات نفساني خود مي‌شود و ظاهراً با كلماتي چند خود را در صف مؤمنين مي‌شمارد اما به دلیل اینکه ایمان به قلب وی راه نیافته است محروم از سعادت دارين مي‌گردد.

ميتوانيم اين آية مبارك را اساس و بنياد قانون اسلام قرار دهيم. زيرا هيچ انساني حق ندارد در جائيكه از جانب الله قادر وتوانا و رسول محبوبشص حكمي آمده باشد قانوني وضع نمايد. در حدیث شریف آمده که:

**«أن رَسُولَ اللَّـهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَـمَّا أَرَادَ أَنْ يَبْعَثَ مُعَاذًا إِلَى الْيَمَنِ قَالَ: «كَيْفَ تَقْضِي إِذَا عَرَضَ لَكَ قَضَاءٌ؟»، قَالَ: أَقْضِي بِكِتَابِ اللَّـهِ، قَالَ: «فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فِي كِتَابِ اللَّـهِ؟»، قَالَ: فَبِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّـهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّـهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَلَا فِي كِتَابِ اللَّـهِ؟» قَالَ: أَجْتَهِدُ رَأْيِي، وَلَا آلُو. فَضَرَبَ رَسُولُ اللَّـهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَدْرَهُ، وَقَالَ: «الْـحَمْدُ لِلَّـهِ الَّذِي وَفَّقَ رَسُولَ، رَسُولِ اللَّـهِ لِمَا يُرْضِي رَسُولَ اللَّـهِ**». (سنن أبي داود)

«هنگاميكه رسول اللهص معاذ ابن جبلا را برای قضاوت به یمن فرستادند از او پرسيدند كه با چه چيز در ميان آنها حكم خواهي كرد. عرض كرد: با كتاب الله، فرمودند: اگر دربارة چيزي در كتاب الله حكمي نيافتي، عرض كرد: به سنت پيامبرص. فرمودند: اگر در كتاب الله و سنت رسول الله نيافتي؟ عرض كرد: خودم اجتهاد خواهم نمود و در این امر کوتاهی نخواهم کرد. آنگاه رسول اللهص دست مبارك خود را بر سينة او گذاشته فرمودند: سپاس پروردگاری را كه به نمايندة پيامبر خود توفيق پيمودن راهي را عطا نموده كه مورد پسند پيامبر اوست».

پس ای مسلمانان، باید هيچ حكمي را بر حكم الله تبارك وتعالي و رسول گراميص مقدم نداريد. پيش از اخذ امر الله و پيامبرش عملي را انجام ندهيد. و در جائيكه حكمي و دستوری از طرف الله و پيامبرش وجود دارد شما حكمي و قانونی صادر نكنيد. يعني؛ هميشه گوش بفرمان الله و رسولش باشيد. الله متعال می‌فرماید:

ﮋ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮊ [نور:63]

«پس آنان كه فرمان او (يعني رسول الله) را مخالفت مى‏كنند، بايد بترسند از اينكه فتنه‏اى دامنشان را بگيرد، يا عذابى دردناك به آنها برسد».

و از همۀ امامان مذاهب اربعه از جمله امام ابوحنيفه (رحمهم الله) نقل شده كه فرموده‌اند: هر گاه سخنی از ما را مخالف با قرآن و حدیث رسول اللهص یافتید قول ما را به دیوار بزنید.

و در مسند امام احمد و ترمذي از عدي بن حاتم،‌ روايت است كه رسول اللهص، آية: ﮋﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﮊ [التوبة: 31] «(اهل كتاب) **دانشمندان و راهبان خويش را معبودهايى در برابر الله قرار دادند»** را خواندند، عدي مي‌فرمايد: گفتم: یا رسول الله! ما آنها را پرستش نمي‌كرديم. رسول اللهص فرمودند: مگر آنها حلالهاي الله را حرام، و حرامهاي الله را، حلال نمي‌كردند و شما از آنها مي‌پذيرفتيد؟

گفتم: چنين مي‌كردند. فرمودند: همين است پرستش آنان.

مطلب قابل توجه اينست كه متأسفانه امروز، اوضاع به قدري دگرگون شده كه بهترين عمل در نزد توده مردم عبارت است از پرستش پيشوايان ديني با نام؛ ولايت، و پرستش علما؛ به بهانه فقه و دانش. وپرستش دجالان دین‌فروش با نام «پیر»، و نحوه پرستش دیگری با رنگ و بوی سیاسی با نام؛ رهبر، حتي وضعيت، به جائي رسيده كه بسياري از جاهلان و انسانهاي غير صالح، ‌مورد پرستش قرار می‌گیرند!

الله مى‌فرمايد:

ﮋ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﮊ [النساء: 60]

«آيا نديدى كسانى را كه گمان مى‏كنند به آنچه (از كتابهاى آسمانى كه) بر تو و بر پيشينيان نازل شده، ايمان آورده‏اند، ولى مى‏خواهند براى داورى نزد طاغوت و حكام باطل بروند؟! با اينكه به آنها دستور داده شده كه به طاغوت كافر شوند. اما شيطان مى‏خواهد آنان را گمراه كند، و به بيراهه‏هاى دور دستى بيفكند».

اينكه ما ايمان داريم؛ ربوبيت و الوهيت، مختص ذات الله مي‌باشند، مستلزم اينست كه الله را در حكم و قانونگذاري نيز يگانه بداينم.

از اينرو توحيد و تحقق «لا إله إلا الله» وقتي مصداقيت پيدا مي‌كند كه بندگان، در تحكيم نيز، به آنچه الله نازل كرده و رسول اللهص فرموده اند، روي بياورند وتسليم بشوند. زيرا ترك كردن حكم الله و روي آوردن به قانون بشري، كفر به الله و معارض با توحيد، محسوب مي‌شود. استاد محمد ابراهيم در كتاب «تحكيم القوانين» مي‌نويسد: كفر بزرگ و آشكار، اين است كه قانون بشري جاي وحي الهي را كه بر قلب سيد المرسلين نازل شده تا به عنوان قانون الهي براي بندگان تعیین شود، بگيرد. و اين عمل مقابله با وحي و ضد اسلام است.

الله متعال مي‌فرمايد:

ﮋﯾ ﯿ ﰀﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﮊ [المائدة:50]**.**

«آيا آنها حكم جاهليت را (از تو) مى‏خواهند؟! و چه كسى بهتر از الله، براى قومى كه اهل يقين هستند، حكم مى‏كند؟!».

حكم و يا قانون جاهلي، عبارت است از آنچه اهل جاهليت بر يكديگر حكم مي‌كردند. قانون جاهلي، ساختة دست بشر و ساختۀ پارلمانها و مجالس به اصطلاح دموکراتیک می‌باشد. و اجراي آن قوانين به معناي اطاعت از بشر و شرك محسوب مي‌شود. و شركت کنندگان در آن در عبادت اطاعت و حرف شنوي دچار شرك شده‌اند.

و امام بغوي: از عبد الله بن عمرب روايت كرده است كه رسول اللهص فرمودند:

**«لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِماَ جِئْتُ بِهِ»** (شرح السنة للبغوي)

«هيچ يك از شما، مؤمن نمي‌شود تا خواسته‌هايش تابع شريعت من نباشد». یعنی: هیچ کس مؤمن شمرده نمی‌شود مگر اینکه خواسته‌هایش تابع شریعت من باشد.

ﭽ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﭼ [الحجرات: ٢]

«ای مؤمنان! صداهایتان را فراتر از صدای پیامبر نبرید و با او آن‌گونه سخن نگویید که با یکدیگر سخن می‌گویید تا مبادا بی‌آنکه دریابید، اعمالتان نابود شود».

يعني صداي خود را بالاتر از صداي پيامبرص نبريد و مراد سخن گفتن كساني است كه در خدمت پيامبر ص مشرف مي شدند، منظور از اين دستور اين بود كه اي اهل ايمان در گفتگو و ملاقات با پيامبر ص حداكثر احترام او را نگه داريد.

صداي كسي از صداي رسول الله بلندتر نباشد زيرا با يك فرد عادي و همتاي خود مخاطب نيستيد، بلكه با رسول برگزیدهص مخاطبيد، و بر همة مردم لازم است در موارديكه ذكر آن حضرت در ميان باشد و يا حكمي و حديثي از ايشان نقل شود بايد همين طور رفتار نمايند، و همچنان وقتي مسلمانان به زيارت مسجد رسول اللهص و قبر مبارك ايشان مشرف می‌شوند آداب ذكر شده را مراعات نمايند. ابن‌كثير/ مي‌فرمايد: بلندكردن‌ صدا در برابر قبر رسول‌ اكرم‌ص نيز همچون‌ بلند كردن‌ صدا در حيات‌شان‌ مكروه‌ است‌، زيرا آن‌ حضرت‌ص براي‌ هميشه‌ در زندگي‌ و مرگ ‌محترم‌ اند.

ﭽ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﭼ [الحجرات: ٣]

**«**بی‌گمان آنان که صداهایشان را نزد رسول‌الله پایین می‌آورند، همان کسانی هستند که الله، دل‌هایشان را برای تقوا آزموده و پرورده است. آنان، آمرزش و پاداش بزرگی دارند».

آنانيكه پيامبرص را آرام و محترمانه مخاطب قرار ميدادند و اكنون نيز در برابر حكم الله و رسولش فرمان بردار هستند الله تبارك و تعالي آنها را آزموده و پاكيزه كرده است امتحان الله نسبت به دل بنده آن است كه دلش را نشانة انواع محنت ها و تكليف ها گردانيده تا صدق ايمانش به واسطة فرمان برداري و صبر آشكار شود و تقواي آن ظاهر گردد و از آزمايش پاك بيرون آيد.

از ابن‌عباسب روايت شده که فرمود: اين‌ آيه‌ درباره‌ ابوبكر صديق نازل‌ شد كه‌ بعد از نزول‌ آيه‌ دوم‌ از اين‌ سوره‌، تصميم‌ گرفت‌ كه‌ ديگر با رسول‌ اكرم‌ص جز به‌ طور بسيار آهسته‌ و پوشيده‌ كه‌ گويي‌ راز مي‌گويد، سخن‌ نگوید.

قاضي‌ ابوبكر ابن ‌العربي‌ مي‌فرمايد: «حرمت‌ رسول‌ اللهص در حال‌ وفات‌، همچون‌ حرمت‌ ايشان‌ در حال‌ حيات ‌است،‌ و هر سخنی که از ایشان پس از رحلتشان نقل می‌شود، در مکانت و جایگاه و رفعت‌ و عظمت‌ خود، دقیقا همچون‌ آن سخنی است که در محضر ایشان و از زبان مبارک شنیده شده است،‌ پس‌ چون‌ سخن‌ ايشان ‌خوانده‌ مي‌شود بر هر شخص‌ حاضري‌ واجب‌ است‌‌ صداي‌ خويش‌ را از آن‌ بلندتر نكند و از آن‌ روي‌ نگرداند، چنان‌ كه‌ اين‌ كار در حيات‌ ايشان‌ واجب‌ بود. البته‌ الله تعالی‌ در آيه:

ﭽﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﭼ [الأعراف: 204»

**«و چون‌ قرآن‌ خوانده‌ شود، به‌ آن‌ گوش‌ بسپاريد و خاموش‌ مانيد تا مشمول‌ رحمت‌ شويد**» بر ضرورت‌ دوام‌ و استمرار اين‌ احترام‌ در گذر زمانها توجه‌ داده‌ است‌ زيرا سخن‌ رسول الله‌ص نيز از وحي‌ بوده‌ و حرمتي‌ همانند قرآن‌ دارد.

ﭽ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙﭚ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭼ [الحجرات: ٤ – ٥]

«بیشترِ کسانی که تو را از پشت اتاق‌ها صدا می‌زنند، نمی‌دانند. و اگر صبر کنند تا به سویشان بیرون بروی، به‌طور قطع برایشان بهتر است. و الله، آمرزنده‌ی مهربان است».

آنها نمي‌دانند تو چه مقام والائي در پيش الله داري، و بايد با تو محترمانه رفتار كنند.

مراد از حجرات اطاق‌هاي همسران پاك رسول الله ص است كه در كنار مسجد نبوي تهيه شده بود.

افرادي از دور، پيامبرص را صدا مي‌زدند كه بيرون بيا.

از اين آيات مباركه معلوم مي‌شود كه در دين اسلام مقام پيامبرص از چه عظمتي بر خوردار است، كيفر سوء ادب نسبت به پيامبرص در نزد اللهأ همانند كيفر كفر ميباشد، كوچكترين بي‌ادبي و بي‌احترامي نسبت به مقام پيامبرص گناه بزرگي است كه مي‌تواند همة اعمالی که انسان در طول زندگی خود بدست آورده را باطل سازد، اين مطلب به روشني اثبات مي‌كند دلي كه از احترام پيامبرص تهي باشد از ايمان كامل و تقوي نيز خالي مي‌باشد. در برابر پيامبرص صدا را بلند كردن و نافرماني آن حضرتص را -نمودن نه تنها سوء ادب است بلكه علامت عدم وجود تقوا در دل نيز ميباشد.

شايعه‌پراکنی و سخن‌چینی

ﭽ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭼ [الحجرات: ٦]

«ای مؤمنان! اگر فاسقی برای شما خبری آورد، به‌خوبی بررسی کنید تا مبادا ندانسته به عده‌ای آسیب برسانید و بدین ترتیب بر کردۀ خویش پشیمان شوید».

در اين آية مباركه‌، الله تبارك و تعالي به مؤمنان دستور مي دهد هر گاه خبري مهم كه نتيجة بزرگي را در پي دارد به شما برسد قبل از پذيرفتن آن بنگريد آورندة آن خبر چگونه آدمي است اگر او شخصي فاسق باشد يعني از ظاهر حال او پيدا باشد كه لياقت اعتماد را ندارد در آن صورت قبل از اقدام بر اساس خبر او تحقيق كنيد واقعيت چيست؟ طوريكه مشاهده مي‌شود بيشتر دشمني‌ها و جنگ ها در بين مردم و گروهها به سبب شنيدن و اعتماد كردن به اخبار و احوال دروغ و فتنه‌انگيز پديد مي‌آيد، كه سبب عجله در عكس العمل بدون تحقيق و اثبات مي‌باشد كه ضرر جبران ناپذير به هر دو طرف مي‌رساند و در نتيجه پشيماني به بار مي‌آورد.

الله تعالی به اين دليل كلمة فاسق را ذكر نموده كه اكثراً سبب اينگونه نزاعات افراد فاسق هستند، زيرا فاسق دروغگو مي‌باشد.

پس براي جلو گيري از نزاعات وكشمكش‌ها و بروز فتنه و فساد در بين دو برادر و یا در بین خانواده‌ها و جامعه نبايد به گمان‌ها و اخبار غير دقيق توجه شود بلكه بايد بين خبر فرد صالح و شخص فاسق تفاوت وجود داشته باشد. اخباري كه به گوش ما مي‌رسد بدون تحقيق و بررسي جدي گرفته نشود بلكه بايد به اسلوب و شيوة مناسب منبع اساسي آن دريافت شود و موضوع به شكل مسالمت آميز حل و فصل گردد تا مبادا سبب برپائي فتنه و فساد در بين مسلمانان گردد. كه در آن وقت هر دو طرف مورد عذاب الهي قرار خواهند گرفت.

و گاهي اتفاق مي افتد كه شخص فاسقي در بين دو نفر يا دو گروه به شيطنت و سخن چيني مي پردازد تا آنها را به جان هم انداخته از يكديگر دور نمايد پس بر همة مسلمانان واجب است اينگونه افراد را بشناسند و بدون تحقيق و بررسي به حرف هاي آنها گوش ندهند تا از شيوع هر گونه فتنه و دشمني جلو گيري شود و مورد قهر و غضب الله تعالي واقع نگردند، مبادا آن سبب خسران دنيا و آخرت آنها شود، در چنين مواقعي به کار گرفتن صبر و شكيبائي و حكمت و كارداني امري ضروري مي‌باشد.

همچنین خبر و یا سخن کسی را به دیگری گفتن بزرگترین و اساسی‌ترین عامل قطع روابط و شعله‌ورساختن آتش کینه و عداوت میان مردم محسوب می‌گردد، و حق تعالی سخن‌چین را مذمت نموده است، می‌فرماید:

﴿ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﴾ [القلم10-11]

**«و از هیچ سوگندخوردندۀ فرومایه‌ای و از هیچ عیب‌جویی که به سخن‌چینی در رفت و آمد است فرمان مبر».**

بله به حرف کسانی که به‌ ناروا سوگند بسيار مي‌خورند گوش مده و از آنها فرمان مبر از صفات آنها این است که در رأي‌ و انديشه‌ و تمييز حقير هستند. هماز كسي‌ است‌ كه‌ مردم‌ را در پيش ‌رويشان‌ به‌ بدي‌ ياد مي‌كند، و‌ لماز كسي‌ است‌ كه‌ مردم‌ را در پشت‌ سرشان‌ به‌ بدي ‌ياد مي‌كند، يعني‌ به‌ غيبت‌ آنان‌ مبتلاست‌. ﴿ﯣ ﯤ ﴾: كسي‌ است‌ كه‌ در ميان‌ مردم ‌در پي‌ سخن‌چيني‌ مي‌رود تا ميانه‌ آنان‌ را بهم‌ زند.

حذیفه می‌فرماید: پیامبرص فرمودند:

**«لَا يَدْخُلُ الْـجَنَّةَ قَتَّاتٌ»** (صحيح البخاري)

«سخن‌چین به بهشت داخل نمی‌گردد».

ابن عباس ب می‌فرماید: پیامبرص از کنار باغی از باغ‌های مدینه عبور می‌کردند و آنجا صدای دو نفر را شنیدند که در قبرهای‌شان دچار عذاب بودند، آن حضرتص فرمودند: «**این دو شخص دچار عذاب هستند، البته عذاب آنان به خاطر گناه بزرگی نیست،** سپس فرمودند: **آری یکی از آنان از ادرار خویش پرهیز نمی‌کرد، و آن دیگری سخن‌چینی می‌کرد**». (فتح الباری)

یکی از صورت‌های زشت سخن‌چینی فریفتن زن علیه شوهر و عکس آن، و بهم‌زدن روابط میان آنان است، و همچنین این که برخی از کارمندان یک اداره سخن بعضی از همکاران خود را به مدیر و مسؤل اداره می‌رسانند و بدین وسیله مسؤل اداره را نسبت به کارمندان بدگمان نموده و به آنان ضرر می‌رسانند، و این کار نیز حرام و ناجایز می‌باشد.

حرمت رسول اللهص

ﭽ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊﮋ ﮌ ﮍ ﮎﭼ [الحجرات: ٧]

«و بدانید رسول‌الله در میان شماست (و باید در تعامل با او ادب داشته باشید)؛ اگر در بسیاری از کارها از شما پیروی کند، به‌طور قطع گرفتار رنج و سختی می‌شوید. ولی الله، ایمان را محبوب شما گردانیده و آن را در دل‌هایتان آراسته و کفر و فسق و نافرمانی را برایتان ناپسند نموده است. چنین کسانی هدایت‌یافته‌اند».

در اين آيه بيان مي‌گردد كه اگر پيامبرص از شما اطاعت كند و به رأي و نظرية شما گوش بدهد پس يقيناً به مشقت و سختي گرفتار مي‌گرديد و سبب نابودي شما خواهد شد زيرا پروردگاري كه زمين و آسمانها را آفريده است آگاه و داناست به آنچه كه بايد انجام گيرد و به آنچه كه سبب سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها مي‌گردد و پيامبرص هر آنچه را كه ميفرمايند وحي و از جانب الله تعالی بوده و نبايد سخن ديگري بر آن ترجيح داده شود.

ﭽ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ \* ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭼ [النجم: ٣ - ٤]

« و از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. سخنش، چیزی جز وحی نیست که به او نازل می‌شود».

آنچه‌ كه محمدص بدان‌ نطق‌ مي‌كند وحي‌ از جانب‌ الله تعالی است‌ كه‌ به‌ سوي‌ او فرستاده ‌مي‌شود و او نه‌ در آن‌ كم‌ مي‌كند و نه‌ مي‌افزايد. در حديث‌ شريف‌ از عبدالله بن‌عمروب روايت‌ شده‌ است‌ كه‌ فرمود: من‌ هر چيزي‌ را كه‌ از رسول‌ اكرمص مي‌شنيدم‌، مي‌نوشتم‌ تا‌ آنها را حفظ و نگه‌داري‌ كنم. سپس قريش‌ مرا از اين‌ كار نهي‌ نموده‌ گفتند: تو هر چيزي‌ را كه‌ از رسول‌ اللهص مي‌شنوي‌ مي‌نويسي‌ در حالي‌كه‌ ايشان‌ نيز بشرند و گاهي‌ در حال‌ خشم‌ سخن ‌مي‌گويند. آنگاه از نوشتن‌ دست‌ كشيده‌ اين‌ موضوع‌ را با رسولص در ميان‌ گذاشتم‌، ايشان‌ فرمودند:

**«اكْتُبْ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا خَرَجَ مِنِّي إِلاَّ حَقٌّ»** (مسند امام احمد)

«بنويس‌ زيرا سوگند به‌ ذاتي‌ كه‌ جانم‌ در اختيار اوست، از زبان‌ من‌ جز حق‌ چيز ديگري‌ بيرون‌ نيامده‌ است‌».

ﭽ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﭼ [الحجرات: ٨]

«(و این،) به فضل و نعمتی از سوی الله (می‌باشد). و الله، دانای حکیم است».

و مي‌داند چه كسي شايستة هدايت و بايستة مرحمت و نعمت است؟

اگر مسلمانان در همة امور پايبند به اوامر الهي و سنت نبوي باشند الله تعالی آنها را به راه راست هدايت مي‌كند و از نعمت ايمان بهره‌مند ميسازد و فضيلت و لذت و زيبائي ايمان را براي شان هويدا مينمايد و سعادت دنیا و آخرت را در اطمينان قلبي نصيب شان مي‌گرداند و نور ايمان را در قلب‌شان تجلي مي‌دهد.

اصلاح در بین مسلمانان

ﭽ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﭼ [الحجرات: ٩]

«و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر جنگیدند، میانشان صلح برقرار کنید. و اگر یکی از این دو گروه، به گروه دیگر تجاوز نمود، با گروه متجاوز بجنگید تا به حکم الله بازگردد».

درين آيۀ كريمه الله حكيم و دانا ميفرمايد: اگر دوگروه از اهل ايمان با هم بجنگند.

اين كلمات بطور طبيعي دلالت مي‌كند كه جنگيدن با يكديگر شيوة اهل ايمان نيست و نبايد چنين چيزي روی دهد، و نه از آنان انتظار آن ميرود كه با وجود مؤمن بودن با يكديگر بجنگند!

درگير شدن گروه‌هاي مسلمان از نظر الله متعال حالت بسیار ناپسندی است كه اصلا نبايد روی دهد، زيرا جنگ در بين مسلمانان اساساً حرام قرار داده شده است چنانچه رسول اكرمص در خطبۀ عید قربان در مکه مکرمه فرمودند:

**«فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ، كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا، إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ رَبَّكُمْ، أَلاَ هَلْ بَلَّغْتُ؟، قَالُوا: نَعَمْ، قَالَ: اللَّهُمَّ اشْهَدْ».** (صحيح بخارى)

«خون‌ها، مال‌ها و ناموس‌های شما بر یکدیگر حرام است؛ همانند حرمت این روز در این ماه در این سرزمین تا آنکه به ملاقات پروردگارتان بروید. آگاه باشید! آیا ابلاغ کردم؟...گفتند: بله! فرمودند: بارالها! شاهد باش».

و در صحیح مسلم از ابوهریرها روایت شده رسول اللهص فرمودند: «**خون، مال، و ناموس هر مسلمانی بر سایر مسلمانان حرام است**».

از آنجا که عوامل درگیری و اختلاف بسیار است و جلوگیری از آن بس دشوار و مشکل، پروردگار متعال راهکاری برای پیشگیری از پیامدهای ناگوار تفرقه قرار داده، آنان را به فرمانبرداری از آموزه‌های قرآن کریم و سنت پیامبرش دستور داده است. زیرا این تنها راهی است که آنان را به اهدافشان می‌رساند و عدالت تحقق می‌یابد و قلب‌ها به آرامش می‌رسد. اللهأ می‌فرمایند:

ﭽ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﭼ [النساء: ٥٩]

«ای مومنان! از الله اطاعت کنید و از پیامبر و صاحبان امور خویش فرمانبرداری نمایید و هرگاه در چیزی اختلاف کردید، آن را به الله و پیامبر بازگردانید؛ اگر به الله و رستاخیز ایمان دارید. این بهتر است و سرانجام بهتری دارد».

حال اگر میان مومنان جنگ و درگیری رخ دهد، باز هم پروردگار متعال آنان را به حال خود رها نمی‌کند تا یکدیگر را از بین ببرند؛ بلکه در این مورد نیز آنها را راهنمایی کرده که به چه راهی بروند و چه روشی در پیش گیرند تا اینکه جنگ پایان یابد و آتش فتنه خاموش شود و صلح برپا گردد. پروردگار متعال می‌فرماید: «و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر جنگیدند، میانشان صلح برقرار کنید. و اگر یکی از این دو گروه، به گروه دیگر تجاوز نمود، با گروه متجاوز بجنگید تا به حکم الله بازگردد». در این فرمان الهی، رحمت و خیرخواهی بی‌نهایتی نسبت به مومنان مشاهده می‌شود.

در جایی دیگری الله متعال می‌فرماید:

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘﭙ ﭚﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭼ [الأنفال: ٤٦]

«و از الله و پیامبرش اطاعت نمایید و با هم نزاع نکنید که سُست می­­شوید و شکوهتان از میان می­رود و شکیبایی ورزید. به راستی الله با صابران است».

مسلمان برادر مسلمان است جان، مال و ناموس مسلمان بر مسلمان ديگري حرام است و كشتن مسلماني به ناحق از جملة بزرگترين گناهان ميباشد چنانچه الله متعال مي‌فرمايد:

ﭽ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﭼ [النساء: ٩٣]

«و هر کس مومنی را از روی قصد بکشد، جزایش دوزخ است و جاودانه در آن خواهد ماند؛ و الله بر او خشم گرفته، و او را از رحمتش دور نموده و عذاب بزرگی برایش آماده ساخته است».

پس مسلمانان وظيفة خود بدانند كه اگر جنگ و قتالي بين دوگروه مسلمان به وقوع پيوست آنها بايد طبق اوامر و ارشادات الهي عمل نموده نخست سعي و كوشش به خرج دهند تا در بين آنها صلح بر قرار گردد و از خون ريزي جلوگيري شود و اگر يك گروه بر ديگري با وجود كوشش هاي اصلاحانه حمله نموده مرتكب ظلم و ستم گرديد در آن صورت وظيفة دوم مسمانان اين است كه با آن گروه متجاوز به قتال وجنگ برخيزند تا اينكه به فرمان الهي گردن نهند و آن را قبول نمايند، و از جنگ و تجاوز دست بكشند، و وقتي ترك تجاوز نمودند در بين آن دو گروه بايد بدون تعصب و يا حمايت از گروه خاصى با بكارگیری عدالت و انصاف صلح و صفا بر قرار شود.

به عبارت ديگر هرگاه دوگروه از مسلمانان درگير جنگ شدند مؤمنين نباید تماشاچی باشند بلكه هر زماني اين وضع اسفبار به وقوع پیوست بايد همة اهل ايمان ناراحت شده هر كوششي كه براي بر قراري صلح از دست آنها بر مي‌آيد انجام دهند.

بايد طرفين درگير را به توقف جنگ توصيه كنند و آنها را از عذاب الله متعال بترسانند و با افراد بانفوذ يا افراد بر جستة طرفين درگير تماس بگيرند علل و اسباب درگيري را بررسي نمايند و هر كوششي كه براي بر قراري صلح از دست آنها برآيد را انجام دهند، اين شايستۀ مسلمانان نيست كه دست متجاوز را باز بگذارند و مظلوم را به حالش رها سازند، چه رسد كه با متجاوز همكاري كنند! بلكه وظيفة آنها اين است كه اگر همة تلاشهاي آنها براي بر قراري صلح بين طرفين در گير ناكام شد ببينند كه حق با چه طرفي است و چه كسي متجاوز است و آنگاه از كسي كه بر حق است حمايت نمايند و بر عليه متجاوز بجنگند. و لازم است كه در هر حالتي حكم الله و رسولش را در نظر گرفته از عدل و انصاف كار بگيرند.

پیامبرص می‌فرمایند: **«انْصُرْ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا» فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّـهِ، أَنْصُرُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا، أَفَرَأَيْتَ إِذَا كَانَ ظَالِمًا كَيْفَ أَنْصُرُهُ؟ قَالَ: «تَحْجُزُهُ، أَوْ تَمْنَعُهُ، مِنَ الظُّلْمِ فَإِنَّ ذَلِكَ نَصْرُهُ»**. (متفق عليه).

«**برادرت را يارى كن خواه ستمكار باشد يا ستمديده**» شخصی گفت: ای رسول اللهص اگر مظلوم بود او را یاری می کنم اما چگونه او را كمك كنم در حالیکه ظالم است؟ فرمودند: «**دست او را بگير و از ادامه ظلم و ستم او را منع كن**».

و فرمودند: «**هر مسلمان كه مسلمانی ديگر را كه حرمت و آبرويش در خطر باشد، كمك كند، الله در مواردى كه او نياز به كمك داشته باشد، او را كمك ويارى مى‏كند**». (مسند امام احمد).

و فرمود: «**هر كس از حيثيت و آبروى مسلمان دفاع كند، الله روز قيامت آتش دوزخ را از وى دور خواهد كرد**». (مسند امام احمد).

مسلمانان با هم برادرند

ﭽ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﭼ (الحجرات: ١٠(

«در حقيقت‌، مؤمنان‌ باهم‌ برادرند پس‌ ميان‌ برادرانتان‌ صلح وصفا برقرار کنید و از الله بترسید (و تقوا) داشته باشید تا مورد رحمت‌ قرار گيريد».

اين آيه برادري جهاني بين مسلمانان بر قرار مي‌كند كه در بين پيروان اديان و مذاهب ديگر ديده نمي‌شود برادري و برابري از جمله اصول و قواعد اجتماعي نظام اسلام ميباشد اخوت يا برادري كه به اخلاص تمام بر اساس اسلام و ايمان باشد بالاتر و برتر از هر رابطة ديگري خواهد بود.

پيامبر اسلامص نمونة اين برادري را در صدراسلام به مسلمانان آموختند و به آنها نشان دادند كه برادري در راه دين چگونه بايد باشد.

سلمان فارسي، صهيب رومي، بلال حبشي، سرداران قريش، سادات انصار، صحرا نشينها و برده‌هاي آزاد شده همه در كنار هم در كمال محبت برادروار زندگي نمودند. چون طبق دستور قرآن حكيم برادر و برابر خوانده شدند، و آنها نمونة و مثالی فراموش نشدني از برادري و برابري به جهانيان تقديم كردند. آيا نظام هاي خود ساختة بشر توانسته‌اند با اين همه امكانات مادي خود چنين رابطه اي را به وجود آورند؟ آنها نتوانستند بين دو فرد عادي اينگونه رابطه‌اي را برقرار نمايند چه رسد به ساختار جامعه‌اي كه در آن همه برادر و برابر هم باشند. و طوريكه ملاحظه مي‌شود يكي از بزرگترين بدبختي‌هاي مسلمانان در عصر حاضر همين دوري آنها از اين اساس و پایه اسلامي مي‌باشد.

پس باید بدانیم چیزهائی‌که بر این برادری مترتب می‌گردد، این است که؛ محبت و مودت و صلح و صفا وتعاون و همکاری و اتحاد و اتفاق‌، اساس ‌کار و روابط اجتماعی در میان‌گروه مسلمانان است‌، و مخالفت و منازعت یا جنگ و جدال مستثنی است و باید همین‌که اختلافاتی روی داد آن را به اصل اسلامی که محبت و مودت و صلح و صفا و تعاون و همکاری و اتحاد و اتفاق است برگردانند.

حضرت معاذا روايت مي‌كند رسول گراميص فرموده‌اند:

«**قَالَ اللَّـهُ عَزَّوَجَلَّ: الْـمتَحَابُّونَ فِي جَلَالِي لَـهُمْ مَنَابِرُ مِنْ نُورٍ يَغْبِطُهُمُ النَّبِيُّونَ وَالشُّهَدَاءُ**». (سنن الترمذي)

«**الله**أ **فرمود: براي آنانيكه در راه من با هم مهر و محبت مي‌ورزند منبرهايي از نور است كه پيامبران عليهم السلام و شهداء برآن رشك مي برند يعني مقام آنها را انبياء و شهداء آرزو مي‌كنند و مي‌پسندند**».

همچنان پيامبر بزرگوار اسلامص فرموده‌اند:

«**إِنَّ الْـمؤْمِنَ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا» وَشَبَّكَ أَصَابِعَهُ**. (صحيح البخاري)

«**مؤمن با مؤمن يعني رابطة مسلمانها با همديگر در تعاون و همكاري چون ساختماني است كه گوشه‌ای از آن گوشه دیگر را مستحکم می‌کند. پس از آن رسول الله**ص **برای بیشتر روشنتر شدن مقصودشان انگشتان دو دست مبارك خود را در همديگر در آور**دند».

جریر بن عبداللها می‌فرماید:

**«**بَايَعْتُ رَسُولَ اللَّـهِ عَلَى إِقَامِ الصَّلاَةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَالنُّصْحِ لِكُلِّ مُسْلِمٍ**»** [متفق علیه]

«**با رسول الله**ص **بر برپا داشتن نماز و دادن زکات و خیرخواهی برای هر مسلمان، بیعت نمودم**».

و عبدالله ابن مسعود  روايت كرده است كه پيامبرص فرموده اند:

«**إِنَّ قَتْلَ الْـمؤْمِنِ كُفْرٌ، وَإِنَّ سِبَابَهُ فِسْقٌ**» (المعجم الأوسط)

«**کشتن مومن کفر است و ناسزا گفتن به او فسق**».

و ابوهريرها روايت كرده كه پيامبرص فرموده اند:

«**كُلُّ الْـمسْلِمِ عَلَى الْـمسْلِمِ حَرَامٌ؛ مَالُهُ، وَعِرْضُهُ، وَدَمُهُ**» (سنن أبي داود)

«**مال و آبرو و جان هر مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است**».

و ابو سعيد خدريا روايت مي‌كند كه پيامبرص فرمودند:

**«الْـمسْلِمُ أَخُو الْـمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ، وَلَا يُسْلِمُهُ، حَسْبُ امْرِيءٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْـمسْلِمَ».**

«**مسلمان برادر مسلمان است؛ به او ظلم نمي‌كند، و او را رسوا نمي‌كند، و او را به دشمن تسلیم نمی‌کند، برای هلاکت یک مسلمان همين شر کافی است كه برادر مسلمان خود را خوار شمرده تحقير كند**».

و در بخاري و مسلم در روايت ديگري از پيامبر بزرگوار اسلامص آمده است كه فرمودند:

«**مَثَلُ الْـمؤْمِنِينَ فِى تَوَادِّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْـجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْـجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالْـحُمَّى**».

«**مثال مومنان در مودت و محبت و عاطفه‌ی موجود در میانشان همانند یک پیکر است که اگر عضوی از اعضای آن به درد آید، سایر اعضای بدن با شب‌بیداری و تب همراهی‌اش می‌کنند**».

|  |  |
| --- | --- |
| بنی آدم اعضای یکدیگرند  چو عضوی به درد آورد روزگار  تو کز محنت دیگران بی غمی | که در آفرینش ز یک گوهرند  دگر عضوها را نماند قرار  نشاید که نامت نهند آدمی |

تمسخر و عیب‌جویی

ﭽ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﯽﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊﰋ ﰌ ﰍ ﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﭼ [الحجرات: ١١]

«ای مؤمنان! هیچ گروهی نیاید گروه دیگری را مسخره کند؛ چه بسا (آنها که مسخره می‌شوند) از اینها (که مسخره می‌کنند) بهتر باشند. و نیز زنان نباید سایر زنان را مسخره نمایند. چه‌بسا زنانی که مسخره می‌شوند از زنانی که مسخره‌ می‌کنند، بهتر باشند. و به عیب‌جویی از یکدیگر نپردازید و همدیگر را با لقب‌های زشت صدا نزنید. پس از ایمان آوردن، فسق و بدکاری، نام و رسم بدی است. و کسانی که توبه نکنند، ستمکارند».

اعمال زشتي كه درين آية مبارك ذكر گرديده، تمسخر و طعنه زدن و عيب جوئي كردن و به القاب و نام هاي بد و زشت ياد كردن ديگران مي‌باشد.

در آيۀ قبلي ملاحظه شد كه الله تبارك و تعالي اخوت و صميميت و برادري را براي مؤمنان تلقين و بيان مينمايد تا مبادا نزاع وكشمكش بين آنها بروز كند و اگر چنين شد چگونه با آن مقابله صورت گيرد و خاموش گردد.

و حالا راه ها و اسبابي كه منشأ و منبع اينگونه اعمال و اختلافات ميباشد را بيان مي‌نمايد تا مسلمانان به آن توجه نموده آنرا ريشه‌كن کنند در اين آية كريمه اللهأ مؤمنان را از تمسخر و استهزا و ريشخند به يكديگر منع مي‌نمايد.

بسيار ديده شده به سبب همين اعمال زشت بين افراد و گروه ها و خانواده ها اختلافات و كشمكش ها بروز کرده، اين اعمال ناپسند چه بر اساس زباني و قومي و ملي باشد و چه بر اساس ساير مسائل همه و همه گناه بس بزرگ محسوب مي‌گردد، و پروردگار دانا در كتاب مجيدش آنرا منع فرموده است.

مراد از مسخره كردن فقط به استهزاء گرفتن با زبان نيست بلكه ادا درآوردن يا تقليد صدا و راه رفتن كسي، یا خنديدن و اشاره كردن به سخن كسي، يا تقلید نحوه كار كردن كسي، يا پوزخند به سر و صورت و شكل و لباس كسي، يا متوجه كردن مردم بسوي عيب كسي به صورتی كه مردم به او بخندند، چه از باب شوخي و سر گرمي‌باشد يا جدي، همة اينها در حقيقت مسخره كردن است و گناه محسوب مي‌شود.

البته بسیار جای تعجب دارد؛ احیانا شیطان می‌تواند در پوستین برخی افراد آنچنان رسوخ کند که آن کوته اندیشان سست بنياد، مهار خود را بکلی در دستان اهریمن خانمانسوز رها کرده، به چیزهایی که بکلی از اختیار آنها بدور بوده، در صورت گرفتن آن هیچ نقشی نداشته‌اند، افتخار می‌ورزند و آنرا مایه برتری خود بر دیگران و تحقیر سایر افراد جامعه بشری می‌دانند! تو گویی آنها از خمیری دیگر سرشته شده‌اند!

بسی مایه ننگ است کسی به رنگ و روی، یا نژاد و ملیت، و یا زبان و قومیت خود را بر دیگران برتری دهد، یا اینکه بر اساس همین ارزشهای فطری خارج از توان انسان دیگران را خوار و پست بشمرد!

ابلهی دیــد اشتـــری بچـرا گفت نقشت همه کژ است چرا؟

گفــت اشتـر اندرین پیکــار  عیب نقاش می کنی هشـــــدار

در کژی من مکن بعیب نگاه تو زمن راه راست رفتن بخـــواه

هیچ یک از ما؛ پدر و مادر، رنگ پوست و نژاد، کشور و زادگاه، زبان و قومیتش را انتخاب نکرده است. همه بر اساس حکمت الهی بدینصورت آفریده شده‌ایم، و در آنچه نقش تقدیر رقم زده، بر قالب ما تحمیل گشته هیچ جای فخر، و یا شرمی نیست. آنچه احیانا می‌تواند باعث فخر و یا سرشکستگی فرد شود همان اختیار و دست‌رنج خود اوست...

نه افغانیم و نه ترک و تتاریــم چمن زادیم و از یک شاخساریم

تمیز رنگ وبو برما، حرام است کـه ما، پروردهء یـک نوبـهاریم

پس آنچه در اصل ممنوع است، اين است كه كسي به هيچ وجه ديگري را مسخره نكند زيرا مسخره كردن حتماً احساس تكبر و خود بزرگ بيني و خوار و كوچك شمردن ديگران را در بر دارد و اين چيزي است كه از نظر اخلاقي خيلي ناپسند است. علاوه برآن اين چيز سبب ناراحتي و آزار ديگران نيز گشته فساد اجتماعي در پي دارد، و موجب بروز كينه و عداوت بين مسلمانان می‌شود.

به همين دليل اللهِ حكيم و دانا اين كار را حرام قرار داده است.

همچنين زخم زبان زدن، اتهام وارد ساختن و عيب جوئي نمودن صريح يا با اشاره، روابط مردم را با يكديگر خراب نموده در جامعه دشمني و كينه به وجود مي‌آورد.

يكي ديگر از اين گناهان بزرگ كه در اين آيه به آن اشاره شده اين است كه كسي را به اسمي يا لقبي صدا بزنی كه او آنرا دوست نداشته باشد و موجب اهانت او گردد. مثلاً كسي را فاسق و يا منافق ناميدن، يا كسي را لنگ وكور و فلج خواندن، و يا كسي را به عيبي كه در پدر يا مادر يا خانوادۀ او باشد ملقب ساختن، و يا پس از مسلمان شدن كسي را به اسم دين قبلي او موسوم كردن، شخصي و يا قبيله و خانواده‌اي را به اسمي موسوم كردن كه در آن مذمت و اهانت آنها باشد.

آري! براي شخص مؤمن اين مطلب بسيار شرم آور و زشت است كه به عنوان شخص بد زبان و فاسق شهرت يابد.

آيا براي كسيكه به اللهأ و رسول گراميص ايمان دارد و از عذاب روز آخرت مي‌ترسد شرم‌آور نيست كه به اين اوصاف زشت معروف شود و به كاري دست بزند كه الله و رسول گرامي از آن به شدت منع فرموده‌اند.

بدگمانی و جاسوسی و غیبت

\* بدگمانی

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭚ ﭛﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫﭬ ﭭ ﭮﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭼ [الحجرات: ١٢]

«ای مؤمنان! از بسیاری از گمان‌های بد بپرهیزید که بی‌شک برخی از گمان‌ها، گناه است. و به کنجکاوی و تجسس (در کارهای دیگران) نپردازید و از یکدیگر غیبت نکنید. آیا هیچ‌یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ بی‌گمان از این کار نفرت دارید. و تقوای الله پیشه کنید. به یقین الله، توبه‌پذیر مهربان است».

الله تبارك و تعالي در اين آية مباركه ابتدا اهل ايمان را از گمان بردن فراوان و از پيروي از هر گونه گمان باز داشته علتش را بيان كرده است که برخي از گمانها گناه مي‌باشد، گمان بد و يا بدبيني عملی زشت و ناپسند است.

البته از گمان بردن مطلق منع نفرموده است زيرا نوعي از گمان از نظر اخلاقی و ديانت پسنديده و مطلوب است، مثلاً گمان نيك در بارة اللهأ و پيامبرص و گمان نيك در بارة مؤمنان و كسانيكه انسان با آنها در رابطه است، و كسانيكه دلائل شرعي و منطقي براي بدبيني در بارة آنها وجود نداشته باشد.

اما گمانهايي كه گناه است اين مي‌باشد؛ اینكه انسان بدون دليل در بارة ديگران سوء ظن و نظر بد داشته باشد، و يا در ابراز رأی دربارة ديگران هميشه بنا را بر سوء ظن بگذارد، و يا در بارة كسانيكه ظاهر حالشان بر صلاح شان دلالت دارد بد گماني كند، همچنين اين نيز گناه است كه در قول و فعل كسي احتمال خوبي و بدي برابر و يكسان باشد و ما بنا را بر سوء ظن گذاشته در بارة او بد بين شويم، كسيكه از الله متعال مي‌ترسد حتماً اين احتياط را در پيش خواهد گرفت كه در برخورد خود با مردم دچار لغزش و گناه نگردد چون گمان بد خود گناه است و سرچشمه گناهان ديگر و بزرگتری چون تهمت و تجسس و غيبت ميگردد و هر گاه اين عادات بد و زشت در ميان مسلمانان شيوع پيدا كرد جنگ و نزاع و اختلاف و تفرقه و دشمني بيشتر مي گردد.

خاطرنشان‌ مي‌شود در مورد حرمت‌ سوء ظن‌ رسول گرامی اسلام نیز ما را بی بهره نگذاشته در سخنانی بسیار آموزنده ما را از بیماریهای قلبی که سرچشمه بسیاری از آنها سوءظن می باشد بازداشته فرموده‌اند: «**إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْـحَدِيثِ، وَلَا تَحَسَّسُوا، وَلَا تَجَسَّسُوا، وَلَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّـهِ إِخْوَانًا**». (بخاری و مسلم)

«**شما را از ظن و گمان** (سوءظن و بدبینی) **بر حذر میدارم زیرا ظن و گمان بزرگترین دروغ به شمار میرود، و هرگز در پی یافتن عیوب دیگران نباشید و تجسس نکنید و به یکدیگر حسادت نورزید و به همدیگر پشت نکنید، از هم ناراحت و دلگیر نشوید، و بندگی الله را پیشه کنید در حالیکه با یکدیگر برادر** (و مهربان) **هستید**».

سوءظن بزرگترین مانع همكاریهای اجتماعی و اتحاد و پیوند دلهاست، و انسان را به زندگی فردی، گوشه گیری، انزوا و تك روی و مفاسد ناشی از این صفات می كشاند، سوءظن نمی گذارد انسان به دیگری اعتماد كند و پایة همكاری با او را بریزد و با كمك او به حل مشكلات بشتابد. بدبینی سرچشمة عداوتها، و گاهی مایة اصلی جنگها و نزاعهای خونین می‌شود. چه بسیار خانواده‌ها كه بر اثر بدبینی از هم متلاشی شده، چه بسیار اشخاص لایق و باشخصیت كه با یك گمان بد در حق آنها، تسلیم مرگ گردیده‌اند، و گاهی گمان بد آتش جنگهای بزرگی را روشن ساخته است.

همچنین سوءظن، محبت و دوستی را از بین می‌برد و نفاق و دورویی را در میان دوستان پرورش می‌دهد، زیرا چنین كسی در ظاهر ناچار است تظاهر به دوستی با رفقای خود كند در حالی كه در باطن چنین نیست و نسبت به آنها بدبین می‌باشد و همین رفتار موجب پرورش روح نفاق و دورویی در او خواهد گردید و به همین سبب رسول گرامی اسلامص آنرا «**أکذب الحدیث**» ـ دروغ‌ترین سخن ـ نامیده‌اند.

بدبینی سرچشمة ناراحتی روح و عذاب جسم و اضطراب و نگرانی خاطر است. افراد بدبین غالباً ناراحتند، و بر اساس توهماتی كه دربارة اشخاص و حوادث دارند فوق العاده رنج می‌برند. آنها از معاشرت با افراد كه یكی از وسایل عادی و مؤثر نشاط روحی است گریزانند زیرا كلمات یا كارهای مردم را کنایه و نیشهایی برای خود فرض می‌كنند. از درد دل با دوستان كه وسیلة مفیدی برای تخفیف آلام و ناراحتیها است می‌ترسند، زیرا ممكن است موجب افشای اسرار آنها و یا مشكلات دیگری گردد! و به همین دلیل غالباً افسرده، بی‌نشاط و غمگین هستند، و تدریجاً به صورت یك موجود معطل و بی‌فایده در می‌آیند.

افراد بدبین از صفای روح غالباً بی‌بهره اند زیرا همیشه در دل خود مشغول به غیبت افراد دیگرند و به همین ملاحظه بعضی از علمای اخلاق، سوءظن را به عنوان «غیبت با قلب»‌ عنوان نموده‌اند و همانگونه که قبلا اشاره کردیم چه بسا این آفت خود منشاء بسیاری از بیماریهای قلبی دیگر همانند غیبت و حسد می‌گردد.

شايان‌ ذكر است‌ كه‌ گمان‌ بر چند نوع‌ است:

1 ـ گمان‌ واجب‌ يا آنچه‌ بدان‌ امر شده‌ : مانند داشتن گمان‌ نيك به ‌الله متعال‌ و به‌ مؤمنان‌. در حديث‌ شريف‌ قدسي‌ آمده‌ است: «**أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي**» (صحيح البخاري) «**من‌ نزد گمان‌ بنده‌ خود، در حق‌ خود، هستم**‌».

همچنين‌ در حديث‌ شريف‌ آمده‌است: «**لَا يَمُوتَنَّ أَحَدُكُمْ إِلاَّ وَهُوَ يُحْسِنُ بِاللهِ الظَّنَّ**» (صحيح مسلم)

«**هرگز يكي‌ از شما نميرد، مگر اين‌كه‌ به‌ الله**أ **گمان‌ نيك‌ داشته‌ باشد**».

2 ـ گماني‌ كه‌ ممنوع‌ يا حرام‌ است: مانند‌ سوءظن‌ نسبت‌ به‌ الله متعال، نسبت ‌به‌ اهل‌ صلاح‌ و نسبت‌ به‌ مسلمين‌ پوشيده‌ حالي‌ كه‌ ظاهر حال‌ آنها بازتاب‌گر نيكي‌ و عدالتشان‌ است‌. اما چنان‌كه‌ گفتيم‌؛ سوءظن‌ نسبت‌ به‌ كسي‌ كه‌ آشكارا مرتكب‌ اعمال‌ بد مي‌شود، يا خود را در موضع‌ شك‌ و تهمت‌ قرار مي‌دهد، حرام‌ نيست‌.

3 ـ گماني‌ كه‌ مستحب‌ است: مانند گمان‌ نيك‌ داشتن‌ به برادر مسلمان‌ و گمان‌ بد داشتن‌ به كسي‌ كه‌ ظاهر حالش‌ نشان‌دهنده‌ فسق و فجور و شرارت‌ است‌.

4 ـ گمان‌ مباح: همچون‌ گمانه‌ زدن‌ در استنباط احكام‌ شرعي یا استنتاج احکام‌ فرعي‌ عملي‌ از راه‌ اجتهاد، و عمل‌ نمودن‌ به‌ گمان‌ غالب‌ در شكليات و ظاهر‌ نماز ـ كه‌ مثلا سه‌ ركعت‌ خوانده‌ است‌ يا چهار ركعت‌.

\* جاسوسي

در ادامة آية 10 سورۀ «حجرات» اللهِ دانا و مهربان مسلمانان را از تجسس و خبر چيني منع فرموده است، ﭽ ﭝ ﭞﭼ «به کنجکاوی و تجسس (در کارهای دیگران) نپردازید». يعني در امور پنهاني مردم جستجو نكنيد و در پي دانستن عيب و ایرادهای ديگران نباشيد و در اوضاع و احوال ديگران تجسس نكنيد، اين كار چه بر اساس بدبيني باشد يا به قصد ضرر رساندن به ديگري و يا براي دور كردن شك وشبهه‌اي، به هر صورت گناه است، اين كار شايستة يك مؤمن و مسلمان نيست كه در احوال پنهاني مردم جستجو كند و براي دانستن اين كه چه كسي چه عيبي دارد كنجكاوي نمايد.

خواندن نامه‌هاي شخصي مردم، گوش دادن به گفتگوهاي محرمانه بين دو نفر، چشم اندازي (سرک کشیدن) به خانة همسايه‌ها و فضولی و كنجكاوي در بارة امور پنهاني ديگران به راه‌های مختلف از نظر اخلاقي بسيار زشت است و فساد هاي گوناگون در پي دارد و چون اللهأ از اين عمل منع فرموده پس گناهي است بسیار بزرگ!

پيامبر بزرگوار اسلامص در خطبه اي كه ابوداود روايت نموده فرمودند:

«**يَا مَعْشَرَ مَنْ آمَنَ بِلِسَانِهِ، وَلَمْ يَدْخُلِ الْإِيمَانُ قَلْبَهُ، لَا تَغْتَابُوا الْـمسْلِمِينَ، وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ، فَإِنَّهُ مَنِ اتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ يَتَّبِعُ اللَّـهُ عَوْرَتَهُ، وَمَنْ يَتَّبِعِ اللَّـهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ فِي بَيْتِهِ**» (سنن أبي داود)

«اي كسانيكه با زبان ايمان آورده‌ايد و هنوز ايمان در دل هايتان نفوذ نكرده است، در بارة امور پنهاني مردم كنجكاوي نكنيد، زيرا كسيكه به دنبال به دست آوردن عيوب مسلمانان باشد، الله متعال عيوب او را دنبال خواهد كرد، و كسيكه اللهأ عيوب او را دنبال نمايد او را در خانه‌اش رسوا مي‌كند».

\* غـيـبت

و در آخر اين آيه الله متعال مؤمنان را از گناهي بس بزرگ و عملي زشت و ناپسند منع فرموده است كه امروزه سرگرمی و نقل بسیاری از مجالس مي‌باشد، اين عمل زشت غیبت و بدگویی مسلمانان و آبروریزی و بی‌حرمتی آنان است، در صورتی که الله متعال از این امر نهی فرموده و آن را به صورتی کریه و زشت تمثیل نموده که نفس انسان از آن نفرت پیدا می‌کند.

ﭽ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫﭬ ﭭ ﭮﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭼ (الحجرات: ١٢)

«و از یکدیگر غیبت نکنید. آیا هیچ‌یک از شما دوست دارد گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ بی‌گمان از این کار نفرت دارید. و تقوای الله پیشه کنید. به یقین الله، توبه‌پذیر مهربان است».

غيبت اين است كه انسان در غياب كسي در بارة او حرفي بزند كه اگر او مطلع شود ناراحت گردد اين تعريف غيبت از پيامبرص نقل گرديده است.

در روايتي مسلم، ابوداود، ترمذي، نسائي و ديگر امامان حدیث از ابوهريرها نقل نموده اند كه رسول اللهص تعريف غيبت را اينطور بيان نموده اند:

«**ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ» قِيلَ: أَفَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِي أَخِي مَا أَقُولُ؟ قَالَ: «إِنْ كَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ، فَقَدِ اغْتَبْتَهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ فَقَدْ بَهَتَّهُ**» (صحيح مسلم)

«**غيبت اين است كه از برادرت به گونه اي ياد كني كه او آنرا دوست نداشته باشد**. كسي گفت اگر آن چيزيكه من ميگويم در برادرم موجود باشد چه؟ حضرت فرمودند: **اگر آن مورد در او باشد او را غيبت نموده اي، و اگر در او نباشد بر او بهتان بسته‌اي**».

و در روايتي كه امام مالك/ آنرا در «موطا» نقل كرده آمده است، كسي از پيامبرص پرسيد: غيبت چيست؟ آنحضرتص فرمودند: «**اينكه از كسي به گونه‌اي ياد كني كه اگر بشنود ناراحت شود. گفت: اگر حرف من راست باشد؟ فرمودند: اگر حرف تو باطل باشد همان چيز بهتان است**».

از اين روايت آشكار شد كه وارد كردن اتهام دروغين بر كسي در غياب او بهتان است. و بيان عيبي كه واقعاً در او وجود دارد غيبت مي‌باشد. اين فعل چه با كلمات صريح باشد يا به اشاره و كنايه، به هر حال حرام است همچنان اينكار چه در زندگي كسي باشد يا پس از مرگ او، در هر دو صورت حرمت آن يكسان است.

شيخ الاسلام ابن تيميه/ دربارة غيبت ميفرمايد: **«غيبت آنست كه برادر خود را با صفتي ذكر نمائي كه اگر اطلاع پیدا کند آنرا نپسندد، خواه نقص در بدنش باشد و يا در لباسش يا در اخلاقش يا در كردار و گفتارش يا در دينش يا در امور دنيوي‌اش يا در بارة خانواده‌اش**».

اين را هم بايد دانست كه غيبت تنها زباني نيست! بلكه غيبت به اشاره و كنايه نيز واقع ميگردد، و همچنان تصديق و تأييد سخنان غيبت كننده نيز غيبت به شمار ميرود، و كسي كه در مجالسي كه در آن غيبت صورت مي‌گيرد شركت مي‌كند نيز در گناه آن شريك مي‌باشد.

غيبت کردن در حقیقت یک نوع بیماری است! سلمان فارسي براي ابي درداب نوشته بود، «**شما را به ذكر الله وصيت ميكنم زيرا ذكر الله دواست. و شما را از ذكر مردم منع ميكنم زيرا ذكر مردم بیماری کشنده‌ای است**». به همین دلیل علماي بزرگوار اسلام غيبت را از جملة گناهان كبيره شمرده اند.

قتاده/ فرموده است: «**عذاب قبر در سه چيز است یک سوم آن به سبب غيبت،و یک سوم آن به سبب عدم توجه به ستر و نظافت در وقت قضاي حاجت، و یک سوم ديگر آن به سبب سخن چيني**».

غيبت سبب عذاب در روز قيامت است، پيامبرص ميفرمايند:

**«لَمَّا عُرِجَ بِي مَرَرْتُ بِقَوْمٍ لَهُمْ أَظْفَارٌ مِنْ نُحَاسٍ يَخْمُشُونَ وُجُوهَهُمْ وَصُدُورَهُمْ، فَقُلْتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جِبْرِيلُ؟ قَالَ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ لُحُومَ النَّاسِ، وَيَقَعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ»** (سنن أبي داود)

«**وقتي به معراج برده شدم بر قومي گذر كردم كه ناخن‌هاي آهني داشتند و صورت و سينه‌هاي خود را مي خراشيدند، از جبرئيل پرسيدم: اينها كيستند؟ گفت: اينها كساني‌اند كه گوشت مردم را مي‌خوردند (يعني غيبت وسخن‌چيني كرده‌اند) و در پی بی‌آبرو کردن مردم هستند**».

علاوه بر اينها غيبت حسنات را در روز قيامت محو ميگرداند و هر كه را غيبت نموده باشي در آن روز از حسنات شما مي‌گيرد، روزيكه خودمان احتياج به يك حسنه داريم.

پس اي خواهر و برادر مسلمان! به نصيحت حضرت يحيى ابن معاذ/ عمل نماييد آنجا كه فرمود: «**مؤمن بايد در پی سه خصلت پسندیده و نيك باشد تا از جملة رستگاران به شمار آيد. اول اينكه؛ اگر نمی‌توانید به کسی نفعی برسانید نبايد ضرر برسانيد. دوم اينكه؛ اگر نمي‌توانيد ديگران را خوشحال گردانيد ناراحت هم نسازيد. سوم اينكه؛ اگر نمي‌توانيد كسي را به نيكي ياد كنيد به بدي هم ياد نكنيد**».

بخاري و مسلم از انس ابن مالكا آورده‌اند كه پيامبرص فرموده‌اند:

**«لاَ يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ، حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ»** (متفق علیه)

«**کسی از شما ایمان نمی‌آورد تا آنکه آنچه را برای خود دوست می‌دارد برای برادر خود نیز دوست بدارد**».

مثلاً اگر دوست داريم كسي غيبت ما را ننمايد پس ما هم غيبت كسي را نكنيم، اگر دوست داريم كسي به ما تهمتي نزند پس ما هم به كسي تهمتي نزنيم، اگر دوست داريم كسي سخن چيني ما را نكند پس ما هم سخن چيني كسي را نكنيم. خلاصه اینکه:

انگشت مکن رنجه بدر کوفتن کس

تا کس نکند پنجه به در کوفتنت مشت!

در حديثي كه حذيفها روايت كرده آمده پيامبرص فرموده‌اند:

**«لَا يَدْخُلُ الجَنَّةَ قَتَّاتٌ»** (صحيح البخاري)

«**سخن‌چین به بهشت داخل نمی‌گردد**».

و در حديث ديگر از ابو هريرها، پيامبرص فرمودند:

«**وَلَا تَحَسَّسُوا، وَلَا تَجَسَّسُوا**». (بخاری و مسلم)

«**هرگز در پی یافتن عیوب دیگران نباشید و جاسوسي نکنید**».

و در حديث ديگري رسول اللهص از اصحاب و یاران بزرگوارشان پرسيدند:

«**أَتَدْرُونَ مَنِ الْـمُفْلِسُ»؟ قَالُوا: الْـمُفْلِسُ فِينَا يَا رَسُولَ اللَّـهِ مَنْ لَا دِرْهَمَ لَهُ وَلَا مَتَاعَ، قَالَ رَسُولُ اللَّـهِ صَلَّى اللَّـهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «المُفْلِسُ مِنْ أُمَّتِي مَنْ يَأْتِي يَوْمَ القِيَامَةِ بِصَلَاتِهِ وَصِيَامِهِ وَزَكَاتِهِ، وَيَأْتِي قَدْ شَتَمَ هَذَا وَقَذَفَ هَذَا، وَأَكَلَ مَالَ هَذَا، وَسَفَكَ دَمَ هَذَا، وَضَرَبَ هَذَا فَيَقْعُدُ فَيَقْتَصُّ هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، وَهَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، فَإِنْ فَنِيَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يُقْتَصّ مَا عَلَيْهِ مِنَ الخَطَايَا أُخِذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطُرِحَ عَلَيْهِ ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ**» (سنن الترمذي)

«**ميدانيد مفلس كيست؟** گفتند: در نزد ما مفلس كسي است كه هیچ پول و مالی نداشته باشد. **رسول الله**ص**فرمودند: بلكه مفلس در امت من كسي است كه روز قيامت او را بياورند در حاليكه نماز خوانده و روزه گرفته و زكات داده، ليكن يكي را دشنام داده و بر ديگري تهمت بسته و مال كسي را خورده و خون كسي را ريخته و دیگری را به ناحق زده، پس از حسنات او گرفته و بين آنها تقسيم مي‌شود و اگر حسناتش تمام شد از گناهان آنها گرفته بر گناهان او افزوده مي‌شود آن وقت او را در آتش مي‌اندازند**».

برادر و خواهر عزیز! سبب بسیاری از گناهان مانند غیبت و سخن چینی و دروغگویی زبان است. به فرمودۀ رسول محبوبمانص این زبان است که انسان را یا به بهشت می برد و یا به دوزخ. چه بسا که زبان سرخ سر سبز را می‌دهد بر باد! به این حدیث شریف توجه فرمایید که در آن پس از اینکه رسول اللهص معاذ بن جبلا را به ارکان اسلام و قله‌های بلند آن همچون نماز، روزه، زکات و جهاد فراخواند خطاب به او می‌فرمایند:

«**أَلَا أُخْبِرُكَ بِمَلَاكِ ذَلِكَ كُلِّهِ»؟ قُلْتُ: بَلَى يَا نَبِيَّ اللَّـهِ، فَأَخَذَ بِلِسَانِهِ قَالَ: «كُفَّ عَلَيْكَ هَذَا»، فَقُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّـهِ، وَإِنَّا لَمـُؤَاخَذُونَ بِمَا نَتَكَلَّمُ بِهِ؟ فَقَالَ: «ثَكِلَتْكَ أُمُّكَ يَا مُعَاذُ، وَهَلْ يَكُبُّ النَّاسَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ أَوْ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ**» (سنن الترمذي)

«**آیا تو را به قوام و پایه تمامی این کارها آگاه نسازم؟ (معاذ رضی الله عنه می‌فرماید:) گفتم: آری، ای رسول الله. پس ایشان به زبان خود اشاره نموده و فرمودند: این را حفظ کن. (معاذ می‌فرماید:) گفتم: یا رسول الله، آیا ما به سبب سخنان خود مؤاخذه و بازخواست می‌شویم؟ (رسول الله) فرمودند: مادرت به عزایت بنشیند ای معاذ! آیا چیزی جز نتایج و** (ثمرات) **زبان های مردم آنان را با صورتهایشان در آتش می‌افکند»**؟!

پس برادر و خواهر گرامی از غیبت کردن، بهتان زدن، دروغگویی، استهزا و مسخره کردن، عیب جویی کردن، طعنه زدن، زخم زبان زدن به دیگران، فحش و ناسزا گویی و بسیاری از اخلاق ناپسند و نکوهیده دیگر بر حذر باشید که همگی آنها از آفت‌های زبان به شمار می‌آیند.

خودخواهی و نژادپرستی

ﭽ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﭼ [الحجرات: ١٣]

«ای مردم! ما، شما را از مرد و زنی آفریده‌ایم و شما را تیره‌ها و قبیله‌هایی قرار داده‌ایم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد الله باتقواترین شماست. همانا الله، دانا و آگاه است».

درين آية كريمه الله قادر و توانا ميفرمايند؛ اي انسانها بدانيد نژاد و قوم و زبان مدار اعتبار و ماية افتخار نيست. بلكه براي آن است كه هر انساني با تفاوت و ويژگیهاي خاص دروني و بيروني از ديگري مشخص شود و در پيكرة جامعة انساني نقش جداگانه داشته باشد همة انسانها اولاد يك مرد و زن يعني آدم و حوا (عليهم السلام) ميباشند و تمام بشر چه عرب يا فارس، تاجيك يا پشتو، ازبك يا ترك، هزاره، بلوچ یا اروپایی و آمریکایی و يا از هر كشور و قومي كه باشند نسب همة آنها به آدم و حوا (عليهما السلام) بر می‌گردد پس برتري به قوم نژاد و زبان و قبيله نيست.

در دين مقدس اسلام اينگونه مسائل اهميتي ندارد بلكه آنچه در نزد الله متعال داراي اهميت ميباشد تقوي و پرهيزگاري است و رنگ و زبان و قوم فقط براي شناخت و تعارف بين انسانها است و بس.

در اين آيه الله متعال برای همة انسانها سه اصل بسيار مهم را بيان فرموده است.

**اول** اينكه؛ اصل همة شما از يك پدر و مادر است.

**دوم** اينكه؛ با وجوديكه اصل شما يكي است حكمت الله اين بوده كه شما را به نژادها و قبيله‌هاي مختلف تقسيم نمايد. چون همة انسانهاي روي زمين نمي‌توانستند يك خانواده و قبيله تشكيل بدهند. استمرار نسل بشر و به وجود آمدن خانواده هاي فراوان اقتضا مي‌نمود كه از آن قبيله‌ها و اقوام به وجود آيد وتفاوت رنگ و قيافه و فرهنگ‌هاي مختلف را نيز اللهأ از نشانه‌هاي قدرت خودش قرار داده است.

ﭽﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﭼ [الروم: ٢٢]

«و از نشانه‌های او، آفرینش آسمان‌ها و زمین و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌ها (و نژادهای) شماست. همانا در این امر نشانه‌هایی برای افراد آگاه و دانا وجود دارد».

**سوم** اينكه؛ اگر اساسي براي برتري انسانی بر انسان ديگر وجود داشته باشد، و آنچه واقعاً كسي را بر ديگران برتری می‌دهد، اين است كه آن انسان بيش از ديگران به اللهأ نزدیک باشد؛ از بدي‌ها اجتناب نمايد و راه پاكي و نيكي را در پيش گيرد، اينچنين انساني اگر از هر نژاد و قوم و كشوري باشد به خاطر اين فضائل در نزد الله متعال ارجمند و گرامي است.

پيامبرص در وقت فتح مكه پس از طواف كعبه فرمودند:

**«يَاأَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمْ عُبِّيَّةَ الْـجَاهِلِيَّةِ وَتَعَاظُمَهَا بِآبَائِهَا، فَالنَّاسُ رَجُلَانِ: بَرٌّ تَقِيٌّ كَرِيمٌ عَلَى اللَّـهِ، وَفَاجِرٌ شَقِيٌّ هَيِّنٌ عَلَى اللَّـهِ، وَالنَّاسُ بَنُو آدَمَ، وَخَلَقَ اللَّـهُ آدَمَ مِنْ تُرَابٍ**» (ترمذي)

«**ای انسانها الله متعال عيب تكبر و جاهليت و نازیدن به پدرانتان را از شما دور كرد. آگاه باشید! همة انسانها دو دسته اند؛ دستة صالح و پرهيزگار كه در پيش الله آبرومند است، و ديگري فاجر و شقي كه در نظر نزد الله خوار و ذليل و پست است، همة انسانها فرزند آدم اند و الله آدم را از خاك آفريده است**».

و پيامبرص در **حجة الوداع** در ايام تشريق در خطبة خود فرمودند:

«**يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ، وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ، وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ، وَلَا أَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ، إِلَّا بِالتَّقْوَى، إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللهِ أَتْقَاكُمْ**» (مسند امام أحمد و شعب الإيمان بيهقي)

«**اي مردم آگاه باشيد كه؛ پروردگار شما يكي است، هيچ عربي بر عجمي، و هيچ عجمي بر عربي، و هيچ سفيدي بر سياهي، و هيچ سياهي بر سفيدي، برتري ندارد مگر با تقوي، گرامي ترين شما نزد الله پرهيزگارترين شماست**».

و در جاي ديگري فرموده‌اند: الله متعال در روز قيامت دربارة حسب و نسب شما نخواهد پرسيد گرامي ترين شما نزد الله كسي است كه پرهيزگارترين شما باشد.

و در حديث ديگر رسول اللهص فرموده اند:

«**إِنَّ اللهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى أَجْسَادِكُمْ، وَلَا إِلَى صُوَرِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ**» (صحيح مسلم)

«**الله به شکل و قیافه شما نمي‌نگرد بلكه به دلها و اعمالتان مي‌نگرد**».

اسلام تنها ديني است كه اينچنين قانون برادري و مساوات را در بين انسانها وضع نموده و عملاً تطبيق كرده است. در جامعة اسلامي جايي براي تبعيض بر اساس رنگ و نژاد و زبان و وطن و قوميت وجود ندارد، جامعه اي كه در آن هيچ بالا و پائين و تفرقه و تعصبي قابل تصور نيست، جامعه اي كه در آن همه حقوق مساوي دارند و صرف نظر از اختلافات در نژاد و قوم و رنگ، همه ميتوانند به عضويت آن درآيند. حتي دشمنان اسلام اعتراف كرده اند كه اصل وحدت و برادري و مساواتي كه در جامعة اسلامي وجود دارد در هيچ دين و نظامي در جهان يافت نمي‌شود، اسلام امتي از نژادهاي مختلف تشكيل داد كه در آن ملاك برتري و فضيلت فقط در ايمان به الله و تقوي و پرهيز گاري است.

بايد بدانيم كه سرچشمه تعصب بيجا و اعمال ناشايستة ديگر كه ذكر گرديد و الله تبارك و تعالي در اين آيات مباركه آنرا منع فرمود تكبر و خود خواهي ميباشد و همين تكبر و خود خواهي است كه سبب مي‌شود انسان ديگران را پست و حقير بشمارد. تكبر در مقابل الله و پيامبرش كفر است و انسان را از رحمت باري تعالي و نعمت هاي آخرت محروم مينمايد. الله متعال مي‌فرمايند:

ﭽ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﭼ [القصص: ٨٣]

«این، سرای آخرت است که آن را برای کسانی قرار می‌دهیم که خواهان فساد و برتری در زمین نیستند. و فرجام نیک از آنِ پرهیزکاران است».

آري! عاقبت از آن پرهيزگاراني است كه دلهايشان از آلودگي‌هاي جاه‌طلبي و شهرت‌طلبي و بزرگ‌بيني و تبه‌كاري پاك است.

از حضرت عبدالله بن مسعودا روايت شده، رسول اكرمص فرموده اند:

«**لَا يَدْخُلُ الْـجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبْرٍ**» (صحيح مسلم)

«**آنكه در دلش ذره اي از كبر باشد به بهشت داخل نمي‌شود**».

همچنین یک مسلمان حق ندارد فردی غير مسلمان را به خاطر شخصيت يا جنس و قومیتش تحقير و توهين نمايد، بلکه اعتقاد باطل و باورهای پست او (کفر و شرک و بت و قبر پرستی) را می‌تواند تحقیر ‌کند، و همین فرد کافر يا مشرک چنانچه مشرف به دين اسلام گرديد بلافاصله برادر مسلمان محسوب مي‌گردد.

مسلمانان ملزم هستند تا با مردمان جنايت کار، گنهگار، منحرف، ظالم، و خائن قطع رابطه نمايند هرچند برادر يا از قوم و خويش يا از فرزندان شان هم باشند، و هرگاه از چنين اعمالی دست کشيده توبه نمودند از محبوب ترين مردمان در نزد شان مي گردند.

**برادران وخواهران مسلمان!**

اسلام به مساوات و برابري تاکيد مي‌نمايد و در جامعه مسلمانان چيزي به نام نظام طبقاتي وجود ندارد. در حقوق و واجبات همه با هم برابرند، و هيچ کسي بر ديگري برتري و فضيلتي ندارد. تنها مدار فضل و برتری نزد اللهأ است، و آن هم با تقوي و پرهيزگاري!..

هر شخصی که الله متعال را بیشتر از ديگران عبادت نمود و با جهاد در راه او از جان و مال خويش گذشت، همان شخص در نزد الله متعال گرامي و بزرگوار مي‌باشد، و اگر کسي به اين اعمال خوب و شايسته عمل نمايد در جامعه بشری هیچ برتری بر ديگران ندارد، و نباید انتظار داشته باشد مردم برای او احترام و تقدس و جایگاه خاصی در نظر بگیرند، و یا با چشمی دیگر به او بنگرند، زيرا وي اين اعمال را به خاطر کسب رضامندي الله متعال انجام داده است نه اينکه خود را بالاتر از ديگران بشمارد.

اگر به تاریخ درخشان اسلام نظری اندازیم می بینیم که از نخستین روزهای بعثت رسول اللهص؛ صهيب رومي، بلال حبشي، سلمان فارسي وابوبکر عربی قریشی (رضی الله عنهم اجمعین) را زير يک پرچم (**لا إله إلا الله محمد رسول الله**) در آغوش کشيد، تبعيض و تعصب قوم، نژاد، رنگ، وطن، قبيله و..... را پایان بخشید، و آفتاب اسلام در هر روستا، شهر، قبيله و خانه درخشيد، پيامبر بزرگ اسلام فرمودند:

«**مَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةٍ عِمِّيَّةٍ، يَدْعُو إِلَى عَصَبِيَّةٍ، أَوْ يَغْضَبُ لِعَصَبِيَّةٍ، فَقِتْلَتُهُ جَاهِلِيَّةٌ**» (سنن ابن ماجه)

«**هر کسی زیر پرچم جهالت و گمراهی؛ که به تعصب و قومگرائی دعوت می‌کند، یا برای قوم و قبیله‌ای خشم می‌گیرد، بجنگد، جنگش بر پایه مفاهیمی جاهلانه است** **و هیچ ارزشی ندارد، و اگر در این راه جانش را از دست دهد، به مرگ جاهلیت مرده است و در پیشگاه الله فاقد هرگونه ارزشی است**»!

به عبارت دیگر؛ هر کس برای تعصبات قومی و زبانی بجنگد و یا بسوی این تبعیض نژادیها دعوت نماید و در آن حالت بمیرد از امت محمد نیست.

اينگونه بود که تصور نژاد پرستي و قومگرائی و زبان پرستی با تمام اقسام و انواعش سرنگون شده برای همیشه در جامعه اسلامی فرو ريخته، و از هم پاشيد. و از همان زمان، وطن مسلمان تنها سرزميني که او در آن زندگي مي‌کند نبوده بلکه در هر سر زميني که ميتواند احکام دين خود را عملي نمايد و در هر جايی که باشد خواه در شرق يا در غرب جهان همانجا وطن و سرزمین اوست. هر ملک ملک ماست که ملک خدای ماست!

آبادی بتخانه ز ویرانی ماسـت جمعیـت کفر از پریشــانی مـــاست

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ماست!

صـفات مــؤمنـان

ﭽ ﮍ ﮎ ﮏﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮚ ﮛﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﭼ [الحجرات: ١٤]

«بادیه‌نشینان گفتند: «ایمان آوردیم». بگو: ایمان نیاورده‌اید؛ بلکه بگویید اسلام آورده‌ایم. و هنوز ایمان، وارد دل‌هایتان نشده است. و اگر از الله و پیامبرش اطاعت کنید، چیزی از پاداش اعمالتان نمی‌کاهد. به‌یقین الله، آمرزنده‌ی مهربان است».

منظور اين آية كريمه همة عربها نيست، بلكه افراد مخصوصي بودند كه با توجه به قدرت فزايندة اسلام فقط براي اين مسلمان شده بودند كه در ساية قدرت مسلمانان در امان باشند و از دستاوردها و منافع پيروزي‌هاي مسلمانان بهره‌مند شوند در واقع آنها در ايمان آوردن خود صادق نبودند بلكه با اقرار اسلام به زبان مصلحتا مسلمان شده بودند و اقوال و افعال آنها با هم فرق داشت البته از اعراب باديه نشين كساني بودند كه واقعاً مؤمن به الله و صادق بودند چنانكه در جاي ديگري الله تبارك و تعالي در بارة آنها مي‌فرمايد:

ﭽﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼ ﭼ [التوبة: ٩٩]

«برخی از بادیه‌نشینان به الله و روز قیامت ایمان می‌آورند، و آنچه را انفاق می‌کنند، سبب نزدیکی به الله و دعای پیامبر می‌دانند. هان! این برایشان مایه‌ی تقرب و نزدیکی است. الله، آنان را در رحمتش ـ یعنی بهشت ـ وارد می‌گرداند. همانا الله آمرزنده‌ی مهربان است».

ﭽ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﭼ [الحجرات: ١٥]

«مؤمنان تنها کسانی هستند که به الله و پیامبرش ایمان آوردند و آن‌گاه شک و تردیدی به خود راه ندادند و با مال‌ها و جان‌هایشان در راه الله جهاد کردند. همانا اینها، راستگویانند».

در اين آية مباركه صفات مؤمنان ذكر گرديده است، مؤمنان راستگوئي كه به الله متعال و رسول بر گزيدة او و به آنچه از اللهأ بر ايشان نازل گرديده ايمان و يقين كامل داشته باشند، و بدون شك و شبه‌اي در راه اسلام مال و جان خويش را فدا مينمايند و از هيچ فداكاري دريغ نمي‌ورزند به درستي كه اعمال آنها نشان ميدهد كه ايمان در اعماق قلبهاي آنها جا گرفته است.

از حضرت عمر فاروقا روايت است كه ايشان فرمودند:

**«بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ، إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ، شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعَرِ، لَا يُرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ، وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ، حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ، وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخِذَيْهِ، وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَتَصُومَ رَمَضَانَ، وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنِ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»، قَالَ: صَدَقْتَ، قَالَ: فَعَجِبْنَا لَهُ يَسْأَلُهُ، وَيُصَدِّقُهُ، قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ، قَالَ: «أَنْ تُؤْمِنَ بِاللهِ، وَمَلَائِكَتِهِ، وَكُتُبِهِ، وَرُسُلِهِ، وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ»، قَالَ: صَدَقْتَ، قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ، قَالَ: «أَنْ تَعْبُدَ اللهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»، قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ، قَالَ: «مَا الْـمسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ» قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَارَتِهَا، قَالَ: «أَنْ تَلِدَ الْأَمَةُ رَبَّتَهَا، وَأَنْ تَرَى الْحُفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُنْيَانِ»، قَالَ: ثُمَّ انْطَلَقَ فَلَبِثْتُ مَلِيًّا، ثُمَّ قَالَ لِي: «يَا عُمَرُ! أَتَدْرِي مَنِ السَّائِلُ؟» قُلْتُ: اللهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: «فَإِنَّهُ جِبْرِيلُ أَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ دِينَكُمْ**» (صحيح مسلم)

«**در حاليكه ما خدمت پيامبر**ص **نشسته بوديم ناگهان مردي ظاهر شد كه لباسهايش به شدت سفيد و موهايش شديداً سياه بود، هيچ نشانه اي از سفر بر او ديده نمي‌شد، و نه هم كسي از ما او را مي‌شناخت! جلو پيامبر**ص، **همچنانكه پيامبر نشسته بودند دو زانو نشست و زانوهايش را به زانوهاي پيامبر**ص **چسپاند. و دستهايش را به بر روي رانهايش گذاشته گفت: اي محمد! مرا از اسلام آگاه ساز، رسول الله**ص **فرمودند: اينكه گواهي دهي كه هيچ معبود بر حقي جز الله يگانه وجود ندارد و اينكه محمد فرستادة الله است، و نماز را برپا داري و زكات بپردازي و ماه رمضان را روزه بگيري و اگر توانايي داشتي حج بيت الله را ادا نمايي. گفت: راست گفتي. تعجب كرديم چگونه هم از ايشان مي‌پرسد و هم تأييد مي‌كند! سوال‌کننده پرسید: مرا از ايمان آگاه ساز؟ رسول الله**ص **فرمودند: اينكه به الله و فرشتگان و كتابها و رسولانش و به روز قيامت و به تقدير اعم از خير و شر آن ايمان و باور داشته باشي. گفت: مرا از احسان (اخلاص) آگاه ساز. فرمودند: اينكه الله را طوري عبادت نمايي كه گويا او را مي‌بيني چون اگر تو او را نمي‌بيني او قطعاً ترا مي‌بيند. گفت: از قيامت مرا خبر ده. فرمودند: در اين باره سؤال‌شونده از سؤال‌كننده بيشتر نمي‌داند. گفت: از نشاني‌هاي آن مرا خبر ده، فرمودند: اينكه كنيز ارباب خودش را بزايد، و اينكه ببيني چوپانان تنگدست با پاي لخت و عريان در ساختن ساختمانها بر يكديگر فخر مي‌ورزند. راوي مي‌فرمايد: آنگاه آن غریبه راهش را گرفته رفت، ما اندكي درنگ كرديم آنگاه حضرت**ص **فرمودند: اي عمر، آيا ميدانيد سؤال‌كننده كي بود؟ گفتيم: الله و رسولش داناترند، فرمودند: جبرئيل! آمده بود تا به شما دينتان را بياموزد»**.

برادر و خواهر گرامی! ایمان این است‌ که دل‌، الله و پیغمبرص را تصدیق کند و باور داشته باشد، تصدیق و باوری که در آن شک و تردیدی راه نیابد، تصدیق و باوری‌که ثابت و مطمئن باشد و لرزان و پریشان نگردد، و وسوسه‌ها بدان راه نیابند، و دل و خرد در باره آن متزلزل و نگران نشود. آن ایمانی‌که جهاد با مال و جان در راه الله از آن سرچشمه بگیرد.

قلب انسان وقتی‌ شیرینی این ایمان را بچشد و بدان اطمینان پیدا کند، و بر آن ثابت و ماندگارگردد، حتما برای پیاده کردن حقیقت ایمان در خارج از محوطه جان و دل خود برمی‌خيزد و به تلاش می‌ایستد، و در راه پیاده کردن آن در زندگی واقعی‌، لحظه‌ای از پای نمی‌نشیند. آري مؤمن واقعي آن جهان‌بینی زیبائی را که از ایمان در دل اوست را به جهان واقعیت و سایر بشریت عرضه می‌دارد.

ﭽ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸ ﭼ [الأنفال: ٢]

**«جز اين‌ نيست‌ كه‌ مؤمنان»** كامل‌ **«همان‌ كساني‌ هستند كه‌ چون‌ ياد الله به‌ ميان ‌آيد، دلهايشان‌ بترسد»** يعني: پديد آمدن‌ ترس‌ و بيم‌ از الله در هنگام ‌ياد پروردگار یکتا، از نشانه های‌ مؤمنان‌ است‌. **«و»** مؤمنان‌ كامل‌ همان‌ كساني‌ هستند كه‌ **«چون‌ آيات‌ الله بر آنان ‌خوانده‌ شود، بر ايمانشان‌ بيفزايد و**» مؤمنان‌ كامل‌ همان‌ كساني‌ هستند كه‌ **«بر پروردگار خود توكل‌ مي‌كنند»** نه‌ بر دیگری‌. توكل‌ بر الله سپردن‌ كار به ‌اوست‌، از همين‌ رو، سعيدبن‌جبير فرموده‌ است: «**توكل‌ بر الله عزوجل‌، همهِ ‌ايمان‌ است**».

ﭽ ﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﭼ [الأنفال: 3-٤]

«آنان که نماز بر پا می دارند و از آنچه به ایشان داده ایم، انفاق می کنند. چنین کسانی به راستی مؤمن هستند. آنها نزد پروردگارشان از درجاتی بالا و آمرزش و روزی نیک و فراوان برخوردارند».

يعني: آنان‌ همان‌ مؤمناني‌ هستند كه‌ ميان‌ اعمال‌ قلب‌؛ چون‌ بيم‌ از الله ‌عزوجل‌، اخلاص‌ و توكل‌ و ميان‌ اعمال‌ اعضا و اندامها؛ چون‌ نماز و زكات‌ جمع ‌مي‌كنند. براي‌ اين‌ گروه‌، منازل‌ و مقامات‌ خير و كرامت‌ و شرفي‌ است‌ در بهشت‌، كه‌ بعضي‌ از اين‌ منزلها به‌ حسب ‌ايمان‌ و اعمال‌ صالح‌ صاحبان‌ خود از بعضي‌ ديگر برتر است‌.

خلاصه اينكه مؤمنان كساني هستند كه:

1. چون نام الله متعال در میان آید از هیبت و خوف به لرزه افتند.
2. با شنیدن آیات و احکام الهی ایمان و یقین ایشان استوارتر شود.
3. اعتماد و توکل اصلی آنها جز به الله متعال بر احدی نيست.
4. در پیشگاه او سر بندگی فرود آورده با تمام وجود نماز را برپا می‌دارند.
5. دارایی و هستی خود را در راه الله متعال صرف می‌کنند و اینانند مؤمنان کامل، صادق و راسخ و ایشانند که به مقامات و مراتب بزرگ قرب الهی نایل می‌گردند.

ﭽ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﭼ (الحجرات: ١٦)

«بگو: آیا می‌خواهید الله را از دین‌داری خویش آگاه سازید، حال آنکه الله آنچه را در آسمان‌ها و زمین است، می‌داند؟ و الله، به همه چیز داناست».

طوريكه قبلاً ذكر گرديد عده‌اي از اعراب بادیه‌نشین مصلحتاً مسلمان شده بودند و اين كيفيت باطني و حقيقت دروني آنها هنگامي فاش گرديد كه نزد پيامبرص آمده خواسته‌هاي گوناگون خود را مطرح ميكردند و آنچنان حق خود را مطالبه می‌کردند، كه گويا با اسلام آوردن خود بر پيامبرص منت گذاشتند!

حضرت ابن عباسب بيان كرده اند كه يكبار در زمان قحطي آنها به مدينه آمدند در حاليكه از پيامبرص طلب كمك مالي مي كردند، و چند بار به رسول اللهص گفتند: ما بدون جنگ و در‌گيري مسلمان شديم و مثل فلان و فلان قبائل با شما نجنگيديم، منظور آنها اين بود كه نجنگيدن آنها با پيامبرص و اسلام آوردن آنها منتي است كه باید ارج نهاده شود، و مؤمنان بايد عوض آنرا بدهند.

ﭽ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶﯷ ﯸ ﯹ ﯺ ﯻ ﯼﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆﰇ ﰈ ﭼ [الحجرات: ١٧]

«بر تو منت می‌گذارند که اسلام آورده‌اند. بگو: منت اسلام آوردن خویش را بر من نگذارید. بلکه اگر (در ایمانتان) صادق باشید، الله بر شما منت می‌گذارد که شما را به ایمان هدایت نموده است، اگر واقعا راست می‌گویید!».

ﭽ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﰎﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﭼ (الحجرات: ١٨)

«بی‌شک الله، غیب آسمان‌ها و زمین را می‌داند. و الله به آنچه انجام می‌دهید، بیناست».

هر گز نمي‌توان در مقابل الله متعال از خودنمائی و رياء، دروغ و كتمان و فريب استفاده كرد زيرا او ذاتي است قادر و توانا و عالم به همة اسرار كائنات و با قدرت وعظمت خود، اسرار و پوشيدگي هاي همه امور را ذره به ذره مي‌داند.

سخن آخر

**برادران و خواهران مسلمان!**

آنچه خدمت شما تقديم شد آياتي چند از قرآن حكيم اين معجزة جاويدان اسلام و مشعل هدايت براي بشريت بود، قرآن كريمي كه باريتعالي از روي لطف و كرم خود بر پيامبر محبوبمانص فرستاد تا به وسيلة آن؛ گمراهان هدايت شوند و مؤمنان با پایبندی وعمل به آن به فلاح و رستگاري و سعادت و خوشبختی در دنیا و سر انجام جنت و بهشتها و نعمت‌هاي آن نایل گردند.

ﭽ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﭼ (يونس: ٥٧ )

«ای مردم! به‌راستی پندی از سوی پروردگارتان آمده که مایه‌ی بهبودی و درمان بیماری‌هایی است که در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی برای مومنان است».

آري! آنانيكه به قرآن ايمان دارند و آنرا راهنماي زندگي خود قرار داده و به آن عمل ميكنند اللهأ در بارة آنها ميفرمايد: ﭽﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌﰍﰎ ﰏ ﰐ ﰑ ﰒ ﰓ ﰔ ﭼ (الرعد: ٢٨)

« آنان که ایمان آوردند و دل‌هایشان با یاد الله آرامش می‌یابد. بدانید که دل‌ها با یاد الله آرام می‌گیرد».

و در جاي ديگر مي‌فرمايد:

ﭽﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭼ (الإسراء: ٩)

«بی‌گمان این قرآن به استوارترین راه‌ها هدایت می‌کند و به مومنان نیکوکار نوید می‌دهد که پاداش بزرگی (در پیش) دارند».

ﭽ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮﮯ ﮰ ﮱ ﯓ ﯔ ﯕﯖ ﯗ ﯘ ﯙ ﯚ ﯛ ﯜ ﯝ ﯞ ﯟ ﯠ ﯡ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥ ﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﭼ [الزمر: ٥٣ – ٥٤]

«بگو: ای بندگان من که با زیاده‌روی در گناهان به خویشتن ستم کرده‌اید! از رحمت الله ناامید نباشید. بی‌گمان الله، همۀ گناهان را می‌آمرزد. به‌راستی که او، همان ذات آمرزنده و مهربان است و به سوی پروردگارتان روی بیاورید و فرمانبردارش شوید، پیش از آنکه عذاب الهی به سراغتان بیاید و آن‌گاه یاری نشوید».

ﭽ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮ ﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﯵ ﯶ ﯷ ﯸ ﯹ ﭼ [الزمر: ٥٥]

«و از بهترین دستورهایی که از سوی پروردگارتان به سوی شما نازل شده، پیروی کنید؛ پیش از آنکه عذاب الهی به صورت ناگهانی و در حالی که غافلید به شما برسد».

ﭽ ﯻ ﯼ ﯽ ﯾ ﯿ ﰀ ﰁ ﰂ ﰃ ﰄ ﰅ ﰆ ﰇ ﰈ ﭼ [الزمر: 56]

«تا مبادا کسی بگوید: ای وای و افسوس بر کوتاهی‌هایی که در حق الله کردم و بی‌گمان از مسخره‌کنندگان بودم».

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭙ ﭼ [الزمر: 57]

«یا بگوید: اگر الله هدایتم می‌کرد، به‌طور قطع از پرهیزکاران می‌‌شدم».

ﭽ ﭛ ﭜ ﭝ ﭞ ﭟ ﭠ ﭡ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭼ [الزمر: 58]

«یا هنگامی که عذاب را مشاهده می‌کند، بگوید: ای کاش برایم بازگشتی (به دنیا) وجود ‌داشت تا از نیکوکاران می‌شدم».

ﭽﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﭮ ﭯ ﭰ ﭱﭼ [الزمر: 59]

«آری؛ آیاتم به تو رسید و تو تکذیبش کردی و سرکشی نمودی و از کافران گشتی».

بيائيد قبل ازينكه آن روز سخت و هولناك بيايد به سوي قرآن برگرديم و مسائل زندگي و خانوادگي و اجتماعي خود را با قوانين قرآن تنظيم نموده و در پرتو قرآن و سنت رسول اللهص حركت نمائيم.

در هر زمانيكه مسلمانان به قرآن عمل نموده اند و به سوي اللهأ بر گشته اند عزت و اقتدار يافته اند، و هر چه از آن دور شده اند خوار و ذليل گشته اند، امروز بجاي اينكه قرآن را در دست گرفته و به آن عمل نمائيم آنرا در پارچه‌ها پيچيده و در طاقچه‌ها نهاده‌ايم، به جاي اينكه قرآن را برنامۀ زندگي خود قرار دهيم آنرا به گورستان ها برده براي مردگان ميخوانيم!

از أم المؤمنين عايشه صديقهل در بارة اخلاق رسول اللهص پرسيدند: ايشان جواب دادند: **اخلاق رسول اكرم قرآن بود**.

آري! در آغوش تعليم وتربيت پيامبر بزرگ اسلام و در مكتب و مدرسة قرآن حكيم چنان نسلي تربيت گرديد كه به نيكوترين صفات و بهترين اخلاق متصف بودند، و از اخلاق پست و عادات زشت و صفات بد رهائي جستند، وتوانستند در مدت زمان اندكي اين دين بر حق را به اقصي نقاط عالم برسانند.

اخلاق نيكوي رسول اللهص

و در پايان گزيده‌اي ازصفات و اخلاق نيكوي پیک توحید و رسول هدایت؛ حضرت محمدص را برايتان بيان مي‌داريم؛ اميد است بتوانيم پيروان واقعي قرآن حكيم و سنت پيامبر بزرگ اسلامص باشيم.

چه زیبا سروده است سعدی شیرین سخن در وصف رسول اللهص:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ماه فرومــاند از جمــال محمـــد قدر فلک را کمال و منزلتی نیست وعده‌ی دیدار هر کسی به قیامت آدم و نوح و خلیل وموسی وعیسی عرصه‌ی گیتی مجال همت او نیست وآنهمه پیرایه بسته جنت فردوس همچو زمین خواهد آسمان که بیفتد شمس و قمر در زمین حشر نتابد شاید اگر آفتاب و ماه نتابند چشم مرا تا به خواب دید جمالش سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی |  | سرو نباشد به اعتدال محمــــد در نظر قدر با کمال محمـــــد لیله‌ی اسری شب وصال محمد آمده مجموع در ظلال محمد روز قیامت نگر مجال محمد بو که قبولش کند بلال محمد تا بدهد بوسه بر نعال محمد نور نتابد مگر جمال محمد پیش دو ابروی چون هلال محمد خواب نمی‌گیرد از خیال محمد عشق محمد بس است و آل محمد |
|  |
|  |
|  |
|  |
|  |
|  |
|  |
|  |
|  |
|  |

رسول اللهص خوش رفتار و خوش گفتار بودند، درشتخو و بي مروت نبودند، به كسي اهانت نمي كردند، و نه اهانت بخود را قبول ميكردند. امير المؤمنين علي ابن ابي طالبا در بارة پيامبرص فرمودند: ايشان از بد گوئي بي‌عفتي خيلي به دور بودند، در بازارها صداي شان بلند نمي‌شد. بدي را با بدي پاسخ نمي‌دادند. بلكه عفو و گذشت مي‌نمودند، مجلس ايشان سراسر حكمت و بردباري، حيا و عفت و امانت بود. صداها در حضورش بلند نمي‌شد عيبِ كسي مورد بحث قرار نمي‌گرفت، آبروي كسي ريخته نمي‌شد، نكته‌هاي ضعف افشا نمي‌گشت و همه با هم برادر و برابر بودند.

اميرالمؤمنين عليا در ادامه مي‌فرمايد: رسول اللهص هيچگاه فرياد نمي‌زدند، و دشنام نمي‌دادند، عيب كسي را آشكار نمي‌كردند، و بخيل و تنگدل نبودند.

از سه چيز به شدت پرهيز مي‌نمودند؛ جدال و ستيز، تكبر، و كارهاي پوچ و بي‌معني، سخن كسي را قطع نمي‌كردند، مگر اينكه از حد بگذرد آنگاه يا او را منع مي‌كردند، يا از مجلس برمي‌خواستند، دعوت انسان‌هاي آزاد، برده و كنيز و مسكين را استجابت می‌گفتند، بيماران را در اقصي نقاط شهر عيادت مي‌كردند، عذرِ معذرت‌كننده را مي‌پذيرفتند، هيچگاه در مجلس اصحابشان ديده نشده پاهاي مبارك خود را دراز كنند تا مبادا موجب ناراحتي كسي گردد، اگر صداي گرية كودكي را مي‌شنيدند نماز را مختصر مي‌كردند، و مي‌فرمودند: هنگامي كه به نماز مي‌ايستم دلم مي‌خواهد آنرا طولاني كنم اما صداي گرية بچه‌اي بگوشم مي‌رسد لذا نماز را مختصر مي‌كنم تا مادرش احساس ناراحتي و مشكل نكند.

هميشه به اصحابشان مي‌فرمودند هيچ يكي از شما خبري از باب خبرچيني برايم نياورد زيرا من مي‌خواهم در حالي به سوي شما بيايم كه دلم خالي از كدورت باشد.

از ام المؤمنين عايشة صديقهل پرسيدند: رسول اللهص در خانه چگونه به سر مي‌بردند، فرمودند: ايشان در خانه مشغول كار بودند، لباس‌هاي شان را تميز مي‌كردند، گوسفندشان را مي‌دوشيدند، و كار‌هاي خود را انجام مي‌دادند، و هر گاه وقت نماز فرا مي‌رسيد براي نماز تشريف مي‌بردند.

همچنين ام المؤمنين عايشةل مي‌فرمايد: رسول اكرمص از مهربان‌ترين و گرامي‌ترين اشخاص بودند.

انسا مي‌فرمايد: من هيچ كسي را نديده‌ام كه از رسول اللهص بر افراد خانوادة‌شان مهربان‌تر باشد.

و همچنين ام المؤمنين عايشة صديقهل مي‌فرمايد: كه پيامبرص فرمودند: بهترين شما كسي است كه با خانوادة خود خوب باشد، و من بهترين شما نسبت به خانواده ام هستم.

و ابوهريرها مي‌فرمايد: رسول اكرمص از هيچ غذايي عيب نمي‌گرفتند، چنانچه آنرا دوست مي‌داشتند مي‌خوردند و اگر نمي‌پسنديدند تركش مي‌كردند.

و انسا مي‌فرمايد: من مدت ده سال به رسول اللهص خدمت كردم و ايشان از روي ناراحتي بر من اُف هم نگفتند، هيچگاه نفرمودند: چرا چنين كردي و چرا چنان نكردي، اصحابشان هنگامي ايشان را مي‌ديدند بلند نمي‌شدند، چون مي‌دانستند اين عمل را دوست ندارند. آنحضرتص مي‌فرمودند: در وصف من به گونه‌ای که مسیحیان در وصف عيسي ابن مريم مبالغه كردند، زیاده‌روی و مبالغه نكنيد البته من يك بنده هستم پس بگوئيد بندة الله و رسول او.

عبدالله ابن حارث مي‌فرمايد: من مانند رسول اللهص كسي را نديدم كه هميشه تبسم بر لبانش باشد، گاهي چنان مي‌خنديدند كه دندانهاي مبارك‌شان ظاهر مي‌شد. رسول اللهص بيماران را عيادت مي‌كردند و بر جنازه حضور مي‌يافتند، دعوت برده را قبول مي‌كردند، با هيچ‌كس برخوردي نمي‌كردند كه بر او ناگوار آيد هديه را قبول مي‌فرمودند و عوض آنرا مي‌دادند.

پس بيائيد در همه شؤون زندگي از رسول اكرمص پيروي نمائيم آن چنانکه قرآن كريم به ما امر نموده است.

ﭽ ﭮ ﭯ ﭰﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶ ﭷ ﭸﭹ ﭺ ﭻ ﭼ ﭼ [آل عمران: ٣١]

« بگو: اگر الله را دوست دارید، از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد. و الله، آمرزنده­ی مهربان است».

پس اي خواهر و برادر مسلمان!..

ﭽ ﭑ ﭒ ﭓ ﭔ ﭕ ﭖ ﭗ ﭘ ﭼ [التحريم: ٨ ]

« ای مؤمنان! به سوی الله توبه‌ی خالصی نمایید».

بیایید درگه رحمت الهی را با اشک ندامت بزنیم، او بخشاینده مهربانی است که کسی را از درگه خود ناامید نمی‌راند:

|  |  |
| --- | --- |
| باز آ باز آ هر آنکه هســـتی باز آ | گر کافر و گبر و بت پرستی باز آ |
| این درگه ما درگه نومیدی نیست | صد بار اگر توبه شکستـی باز آ |

بارالها! ما همه بندگان محتاج درگاه توييم از ذات اقدس تو مي‌خواهيم ما را به راه راست هدايت فرمايي و راه حق و حقيقت را به ما نشان دهي، تا بندگان مطيع و فرمان بردار تو باشيم.

پروردگارا! قلبهاي ما را مملو از نور ايمان و يقين بگردان تا به مؤمنان و مسلمانان محبت ورزيم، و به ما توفیق ده تا به قرآن و به سنت پيامبر بزرگتص پایبند گردیم.

بارالها! اي قادر توانا! قلبهاي مسلمانان را با ايمان و اخوت و برادري و محبت مزين گردان و به جمع پراكندة آنها وحدت و پيروزي نصيب فرما.

پروردگارا! بما راه حق و حقيقت را بنمایان، و توفیق‌مان ده تا مؤمنان تو را دوست بداريم و با منكران و كافران تو دشمن باشيم.

پروردگارا! هر آنكه براي پراکندگي و ذلت و فساد مسلمانان مي‌كوشد نابودش گردان و به آنها عجايب قدرت خود را بنمایان.

به اميد روزيكه پرچم «لا اله الا الله و محمد رسول الله» در اقصي نقاط عالم به اهتزاز در آيد و گلبانگ الله اكبر از هر گوشة دنيا به گوش رسد!

فهرست منابع

قرآن كريم

ترجمه قرآن کریم (دهلوی)

تفسير كابلي

تفسیر نور

تفسیر انوارالقرآن

ریاض الصالحین

اربعین نووی

صحیح بخاری

صحیح مسلم

سنن ترمذی

سنن ابی داود

سنن ابن ماجه

مسند امام احمد

موطا امام مالك

شعب الإيمان بيهقي

المعجم الأوسط

1. - البقرة: 195. [↑](#footnote-ref-1)
2. - الحج: 30، النحل: 105. [↑](#footnote-ref-2)
3. - البقرة: 204 ـ 206. [↑](#footnote-ref-3)
4. - الحشر: 9، البقرة: 268، النساء: 37. [↑](#footnote-ref-4)
5. - الإسراء: 26 ـ 27. [↑](#footnote-ref-5)
6. - النساء: 38، الماعون: 4 -7. [↑](#footnote-ref-6)
7. - لقمان: 18، الإسراء: 37. [↑](#footnote-ref-7)
8. - النحل: 23، النساء: 49، النجم: 32. [↑](#footnote-ref-8)
9. - الكهف: 32ـ 42، القصص: 78، غافر: 83. [↑](#footnote-ref-9)
10. - الكهف: 28، طـه: 131. [↑](#footnote-ref-10)
11. - النساء: 32 و 54. [↑](#footnote-ref-11)
12. - آل عمران: 153، الحديد: 23. [↑](#footnote-ref-12)
13. - الإسراء: 32، النور: 2. [↑](#footnote-ref-13)
14. - المائدة: 90 ـ 91، الأعراف: 157، البقرة: 173. [↑](#footnote-ref-14)
15. - التوبة: 108، المدَّثر: 4 ـ 5. [↑](#footnote-ref-15)
16. - النساء: 29، البقرة: 188، البقرة: 275 ـ 276، النساء: 6، النساء:10، البقرة: 174، النور: 33، النساء: 5. [↑](#footnote-ref-16)
17. - المائدة: 87، البقرة: 172، الأعراف: 26، سورة الأعراف: 31. [↑](#footnote-ref-17)
18. - النحل: 43، الأنبياء: 7. [↑](#footnote-ref-18)
19. - التوبة: 122. [↑](#footnote-ref-19)
20. - الشمس: 7ـ 10، الشعراء: 69ـ 89، ق: 31 ـ 33. [↑](#footnote-ref-20)
21. - فصلت: 6، هود: 112. [↑](#footnote-ref-21)
22. - النور: 30 ـ 31، النور: 33، النور: 60، المؤمنون: 1ـ7، الأحزاب: 32 ـ 33. [↑](#footnote-ref-22)
23. - النازعات: 40 ـ 41، ص: 26، النساء: 135. [↑](#footnote-ref-23)
24. - البقرة: 183-185، البقرة: 187، البقرة: 222. [↑](#footnote-ref-24)
25. - آل عمران: 134. [↑](#footnote-ref-25)
26. - التوبة: 119، الأحزاب: 70، الزمر: 33. [↑](#footnote-ref-26)
27. - لقمان: 19، الفرقان: 63. [↑](#footnote-ref-27)
28. - الحجرات: 12، الحجرات: 6، النساء: 94. [↑](#footnote-ref-28)
29. - الإسراء: 36. [↑](#footnote-ref-29)
30. - المدثر: 7، النحل: 127، آل عمران: 200، البقرة: 214، العنكبوت: 1 ـ 3، العنكبوت: 10، آل عمران: 186، البقرة: 155. [↑](#footnote-ref-30)
31. - الأحقاف: 35، الأحزاب: 21، الصف: 14. [↑](#footnote-ref-31)
32. - الإسراء: 110، الفرقان: 67، الإسراء: 29، الرحمن: 7 ـ 9. [↑](#footnote-ref-32)
33. - هود: 7، الكهف: 7، سورة الملك: 2. [↑](#footnote-ref-33)
34. - البقرة: 148، المائدة: 48. [↑](#footnote-ref-34)
35. - الزمر: 17 ـ 18. [↑](#footnote-ref-35)
36. - البقرة: 272، النساء: 114. [↑](#footnote-ref-36)
37. - الأنفال: 27. [↑](#footnote-ref-37)
38. - الأحزاب: 58. [↑](#footnote-ref-38)
39. - طه: 111، الشورى: 40، الفرقان: 19. [↑](#footnote-ref-39)
40. - المائدة: 2. [↑](#footnote-ref-40)
41. - النساء: 105، النساء: 107. [↑](#footnote-ref-41)
42. - النحل: 91، آل عمران: 75-77. [↑](#footnote-ref-42)
43. - النساء: 107-108. [↑](#footnote-ref-43)
44. - الحج: 30. [↑](#footnote-ref-44)
45. - البقرة: 283، البقرة: 159. [↑](#footnote-ref-45)
46. - النساء: 148 ـ 149. [↑](#footnote-ref-46)
47. - الضحى: 9-10. [↑](#footnote-ref-47)
48. - الحجرات: 11. [↑](#footnote-ref-48)
49. - لقمان: 18. [↑](#footnote-ref-49)
50. - الحجرات: 12. [↑](#footnote-ref-50)
51. - الهمزة: 1، الحجرات: 12، المجادلة:9. [↑](#footnote-ref-51)
52. - الحجرات: 6. [↑](#footnote-ref-52)
53. - النور: 4 ـ 5، النور: 15 ـ 18، النور: 19، النور: 24 ـ 25. [↑](#footnote-ref-53)
54. - النساء: 85. [↑](#footnote-ref-54)
55. - النساء: 58، البقرة: 283. [↑](#footnote-ref-55)
56. - المائدة: 1، الإسراء: 34، البقرة: 177، الرعد: 19 ـ 20. [↑](#footnote-ref-56)
57. - الأنعام: 152، النساء: 135. [↑](#footnote-ref-57)
58. - الحجرات: 10، الأنفال: 1، النساء 114. [↑](#footnote-ref-58)
59. - النساء: 85. [↑](#footnote-ref-59)
60. - الفتح: 29، المائدة: 54، البلد: 17 ـ 18. [↑](#footnote-ref-60)
61. - البقرة: 215، النساء: 36. [↑](#footnote-ref-61)
62. - الشورى: 37. [↑](#footnote-ref-62)
63. - الرعد: 22، فصلت: 34. [↑](#footnote-ref-63)
64. - المائدة: 2، آل عمران: 104، سوره العصر، آل عمران: 187، البقرة 159. [↑](#footnote-ref-64)
65. - الحشر: 9. [↑](#footnote-ref-65)
66. - النحل: 90. [↑](#footnote-ref-66)
67. - البقرة: 219، الطلاق: 7. [↑](#footnote-ref-67)
68. - النور: 27 ـ 29، النور: 58 ـ 59. [↑](#footnote-ref-68)
69. - الحجرات: 2 ـ 4. [↑](#footnote-ref-69)
70. - النور: 61. [↑](#footnote-ref-70)
71. - النساء: 86. [↑](#footnote-ref-71)
72. - المجادلة: 11. [↑](#footnote-ref-72)
73. - الإسراء: 53. [↑](#footnote-ref-73)
74. - النور: 62. [↑](#footnote-ref-74)
75. - النساء: 36، الإسراء: 23 ـ 24، لقمان: 14 ـ 15. [↑](#footnote-ref-75)
76. - الأنعام: 151، الإسراء: 31، التكوير:8،9،14. [↑](#footnote-ref-76)
77. - الأحزاب:59، التحريم: 6. [↑](#footnote-ref-77)
78. - النساء: 22، النساء: 23، البقرة: 221، النور: 3، النساء: 24، المائدة: 5. [↑](#footnote-ref-78)
79. - النساء: 34، التحريم: 5، الاحزاب: 28 ـ 29. [↑](#footnote-ref-79)
80. - النساء: 19، البقرة: 232. [↑](#footnote-ref-80)
81. - النساء: 4، المائدة: 5، النساء: 24. [↑](#footnote-ref-81)
82. - النساء: 3. [↑](#footnote-ref-82)
83. - النساء: 1. [↑](#footnote-ref-83)
84. - الروم: 21. [↑](#footnote-ref-84)
85. - البقرة: 233. [↑](#footnote-ref-85)
86. - الطلاق: 1ـ 2، 6، النساء: 19، 129. [↑](#footnote-ref-86)
87. - النساء: 128. [↑](#footnote-ref-87)
88. - آل عمران: 159. [↑](#footnote-ref-88)
89. - النساء:58. [↑](#footnote-ref-89)
90. - المائدة:33-34. [↑](#footnote-ref-90)
91. - آل عمران:161. [↑](#footnote-ref-91)
92. - الحشر:7. [↑](#footnote-ref-92)
93. - المائدة:42-48. [↑](#footnote-ref-93)
94. - الحشر: 7. [↑](#footnote-ref-94)
95. - النساء: 59. [↑](#footnote-ref-95)
96. - آل عمران: 103، الروم: 31-32. [↑](#footnote-ref-96)
97. - الشوری 36-38. [↑](#footnote-ref-97)
98. - الممتحنة: 1، 8، 9، المجادلة:22، آل عمران: 38. [↑](#footnote-ref-98)
99. - التوبه: 128. [↑](#footnote-ref-99)
100. - النحل: 121، العنکبوت: 46. [↑](#footnote-ref-100)
101. - البقرة: 256، الغاشية: 21- 22. [↑](#footnote-ref-101)
102. - الأنعام: 108. [↑](#footnote-ref-102)
103. - القصص: 83. [↑](#footnote-ref-103)
104. - الممتحنة: 8. [↑](#footnote-ref-104)
105. - المائدة: 2. [↑](#footnote-ref-105)
106. - التوبة: 36. [↑](#footnote-ref-106)
107. - البقرة: 191. [↑](#footnote-ref-107)
108. - البقرة: 190. [↑](#footnote-ref-108)
109. - الأنفال: 15. [↑](#footnote-ref-109)
110. - الأنفال: 45-46. [↑](#footnote-ref-110)
111. - آل عمران: 200، آل عمران: 139. [↑](#footnote-ref-111)
112. - آل عمران: 154، 156، النساء: 77-78، آل عمران: 171-174. [↑](#footnote-ref-112)
113. - البقرة: 191، 217. [↑](#footnote-ref-113)
114. - محمد: 35، البقرة: 192-193، الأنفال:61-63، النساء: 94. [↑](#footnote-ref-114)
115. - المائدة: 1. [↑](#footnote-ref-115)
116. - الأنفال: 58. [↑](#footnote-ref-116)
117. - النحل: 91-92. [↑](#footnote-ref-117)
118. - النساء: 1، الحجرات: 13. [↑](#footnote-ref-118)